



www.imammahdi313.com



کلمات جلوه‌های مهدوی

عَلَيْهِ السَّلَامُ
رضوی



آیت الله العظمی سید محمد باقر ابطحي اصفهانی
مترجم: سید محمد سجادی اصفهانی

جلوه‌های مهدوی

در کلمات رضوی علیه السلام

آیت الله العظمی سید محمد باقر ابطحی اصفهانی

سجادی اصفهانی، محمد، -

جلوه‌های مهدوی در کلمات رضوی علیه السلام / مؤلف: سیدمحمد سجادی اصفهانی . - قم: بنیاد
فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام؛ مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰.
۱۲۸ ص. - (بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام؛ مرکز تخصصی مهدویت؛ ۹۴)

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۱۷-۸

...ریال:

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۱۲۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. محمدبن حسن علیه السلام امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - احادیث. ۲. مهدویت - انتظار. ۳. رجعت. ۴.
آخرالزمان - احادیث. ۵. فتن و ملاحم - احادیث. ۶. علی بن موسی علیه السلام، امام هشتم، ۱۵۳ق. - ۲۰۳ق.
احادیث. الف. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام؛ مرکز تخصصی مهدویت. ب. عنوان.

۲۹۷/۹۵۹

۸ ج ۳ / س ۵۱ Bp

۲۱۵۸۴۴۷

۱۳۹۰



جلوه‌های مهدوی در کلمات رضوی علیه السلام

نویسنده/ آیت الله العظمی سید محمد باقر اصفهانی

مترجم/ سیدمحمد سجادی اصفهانی

ناشر/ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

ویراستار / زینب احمدیان

طراح جلد و صفحه‌آرا / عباس فریدی

نوبت چاپ / اول - تابستان ۹۰

شمارگان / سه هزار نسخه

بها / ۱۷۰۰ تومان

مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویت/خیابان شهدا /

کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان

ص.پ: ۱۱۹ - ۳۷۱۳۵ ○ تلفن: ۰۷۷۳۷۸۰۱ ○ فاکس: ۰۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام ○ تلفن: ۵ - ۸۸۹۹۸۶۰۱

○ فاکس: ۸۸۹۹۸۶۰۷ ○ ص.پ: ۳۵۵ - ۱۵۶۵۵

WWW.IMAMMAHDI.S.COM

info@imammahdi.s.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۱۷-۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

- پیشگفتار ۹
- فصل اول: تفسیر امامت در بیان شیوای حضرت رضا علیه السلام ۱۱**
- فصل دوم: ضرورت و نیاز جامعه به حجت خدا ۲۵**
- (۱) زمین هیچ‌گاه از حجت خدا خالی نمی‌ماند ۲۶
- فصل سوم: نسب پاک آن حضرت ۲۹**
- (۱) او از فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است ۳۰
- (۲) او از فرزندان امام حسین علیه السلام است ۳۱
- (۳) او از فرزندان امام باقر علیه السلام است ۳۲
- (۴) او از فرزندان حضرت رضا علیه السلام است ۳۲
- (۵) او از فرزندان امام جواد علیه السلام است ۳۴
- (۶) او از فرزندان امام عسکری علیه السلام است ۳۴
- فصل چهارم: ولادت آن حضرت و نامها و القاب مبارک او ۳۵**
- (۱) پنهان بودن ولادت آن حضرت ۳۶
- (۲) نام اصلی آن حضرت، نام پیامبر، یعنی «م ح م د» است ۳۶
- (۳) از بردن نام اصلی آن حضرت، باید خودداری نمود ۳۷
- (۴) برخاستن از جای خود، هنگامی که از او به لفظ «قائم» یاد شود ۳۸
- (۵) القاب مبارک آن حضرت ۳۹
- فصل پنجم: شمایل، اوصاف، فضائل و شباهت‌های آن حضرت به پیامبران ۴۱**
- (۱) شمایل آن حضرت ۴۲
- (۲) اوصاف آن حضرت ۴۲

- ۳ فضائل آن حضرت ۴۳
 ۴ شباهت او به پیامبران ۴۳
 ۵ علامت‌ها و نشانه‌های آن حضرت ۴۴

فصل ششم: بشارت کتابهای آسمانی و معصومین: ۴۷

- به حضرت مهدی علیه السلام و قیام او ۴۷
 ۱ آیات قرآنی که به آن حضرت و قیامش تأویل شده است ۴۸
 ۲ خبر دادن کتب پیشینیان از آمدن آن حضرت و قیام او ۵۲
 ۳ خبر دادن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آمدن آن حضرت و قیام او ۵۳
 ۴ روایاتی از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام درباره غیبت و قیام آن حضرت ۵۷

فصل هفتم: غیبت آن حضرت و حوادث و فتنه‌هایی که ۶۷

- پیش از ظهور او رخ میدهد ۶۷
 ۱ غیبت آن حضرت علیه السلام و علت آن ۶۸
 ۲ اسلام، غریبانه آغاز شده و به زودی غریب می‌گردد ۷۱
 ۳ فتنه‌ای کور و کمر شکن، ناگزیر رخ خواهد داد ۷۲
 ۴ چهار حادثه پیش از قیام آن حضرت، واقع می‌شود ۷۳
 ۵ حادثه‌ای بین حرمین رخ میدهد ۷۳
 ۶ پرچم‌هایی که پیش از ظهور و قیام آن حضرت، حرکت می‌کنند ۷۴
 ۷ پیشاپیش این امر، بیوح (حرارت یا قتل شدید) است ۷۵
 ۸ خروج سفیانی ۷۶
 ۹ صیحه و ندای آسمانی ۷۷
 ۱۰ دجال ۷۸

فصل هشتم: احوال شیعه و مؤمنین در غیبت آن حضرت ۷۹

- ۱ در آن زمان، قلب مؤمن از غصه آب می‌شود ۸۰
 ۲ دل‌های مومنان، امتحان می‌شود و خالص از ناخالص جدا می‌گردد ۸۰
 ۳ ارتداد بیشتر کسانی که قائل به امامت آن حضرت هستند ۸۲

جلوه‌های مهدوی در کلمات رضوی علیه السلام □ ۷

۴) برای شیعیان، پناهگاهی نیست که به آن پناه ببرند ۸۳

فصل نهم: وظایف شیعه در دوران غیبت امام علیه السلام ۸۵

۱) معرفت و شناخت آن حضرت ۸۶

۲) ملتزم بودن به دین ۸۷

۳) انتظار فرج آن حضرت علیه السلام ۸۷

۴) عدم تعیین وقت ظهور ۸۸

۵) صبر و پایداری در غیبت آن حضرت علیه السلام ۸۸

۶) اندوه و گریه در غیبت آن حضرت علیه السلام ۹۱

۷) دعا برای آن حضرت علیه السلام و فرج ایشان ۹۲

۸) رعایت تقیه ۹۸

۹) ملازم خانه بودن و خروج نکردن ۹۸

فصل دهم: ظهور آن حضرت علیه السلام ۱۰۳

۱) شکل و شمایل آن حضرت در هنگام خروج ۱۰۴

۲) در هنگام خروج آن حضرت، همه باید به سوی او حرکت کنند ۱۰۵

فصل یازدهم: سیره و اخلاق و خصوصیات زمان آن حضرت علیه السلام ... ۱۰۷

۱) پادشاهی و سلطنت آن حضرت علیه السلام ۱۰۸

۲) یاوران آن حضرت از ملائکه ۱۰۹

۳) قدرت و توانائی آن حضرت علیه السلام و آنچه در اختیار او می‌باشد ۱۱۰

۴) نزد آن حضرت، میراث پیامبران : است ۱۱۰

۵) بر گردن آن حضرت علیه السلام بیعت هیچ یک از ستمکاران نیست ۱۱۱

۶) زمین را از لوث کفر و ستم پاک می‌گرداند ۱۱۱

۷) آن حضرت علیه السلام دستان بنی شیبۀ را قطع میکند ۱۱۲

۸) ذراری قاتلان امام حسین علیه السلام را به قتل میرساند ۱۱۲

۹) مردم با نور جمال آن حضرت علیه السلام از روشنائی خورشید بپناز میشوند ۱۱۳

- ۱۰) گسترش عدالت به وسیله آن حضرت علیه السلام ۱۱۴
- ۱۱) او زمین را پر از عدل و داد می‌کند ۱۱۴
- ۱۲) او غم و اندوه اهل بیت علیهم السلام را برطرف خواهد کرد ۱۱۵
- ۱۳) او برای اهل ایمان، رحمت و برای کافران، عذاب است ۱۱۶
- ۱۴) خوارک و پوشاک آن حضرت علیه السلام ۱۱۶
- ۱۵) حال شیعه و مؤمنین در عصر ظهور آن حضرت علیه السلام ۱۱۶

فصل دوازدهم: رجعت ۱۱۹

- ۱) حقانیت و حتمیت رجعت ۱۲۰
- ۲) رجعت امیر المؤمنین علی علیه السلام ۱۲۴
- نتیجه ۱۲۶
- منابع ۱۲۸

پیش‌گفتار

از آن روزی که به عنوان خادم تشریفی حضرت رضا علیه السلام نایل شدم، در این فکر بودم که خدمتی هر چند ناچیز، به مولای خویش، حضرت رضا علیه السلام عرضه کنم؛ تا این که به ذهنم خطور کرد، بیانات آن حضرت در رابطه با آخرین ذخیره الهی و یادگار حضرت زهرا علیها السلام، ابن الرضا علیه السلام، حجة بن الحسن المهدی - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - را جمع آوری نمایم.

موضوع را با سرور عزیز و محقق بزرگوار، حضرت آیت الله سید محمد باقر موحد ابطحی - دامت برکاته - مطرح نموده و ایشان نیز این امر را در دستور کار قرار دادند و توسط محققین مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام متن عربی را از مصادر معتبر، استخراج کرده و در اختیار این جانب قرار دادند و اکنون، ترجمه آن با عنوان «جلوه‌های مهدوی در کلمات رضوی» جهت استفاده عموم دوستان اهل بیت علیهم السلام عرضه می‌شود.

این کتاب - که آئینه‌ای است از کلمات بهجت اثر سلطان جن و انس در موضوع مهدویت - را به آیت الرضا حضرت آیت الله حاج شیخ عباس واعظ طبسی (دامت برکاته) اهداء می‌نمایم. امید است خدمات خالصانه این مرد بزرگ موجب رضای حضرت بقیه الله الاعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء گردد.

خادم تشریفی حضرت رضا علیه السلام

سید محمد سجادی اصفهانی

تذکر

از آن جا که سبک این کتاب، طبقه بندی موضوعی احادیث رضوی است، لذا در بعضی از موارد، تکه‌هایی از روایات که به موضوع خاصی اشاره داشته‌اند، جدا و ذیل عناوین متعددی استفاده شده‌اند. اما تمامی احادیثی که شامل این موضوع هستند، در یک قسمت، به صورت کامل و تمام، با یک شماره خاص، به روایت درآمده‌اند. از این رو، در پاورقی مربوط به احادیث منقطع، نشانی فصل، بخش و شماره احادیث کامل، ذکر شده تا خواننده گرامی، از مطالعه کامل احادیث نیز بهره‌مند شود.

فصل اول:

تفسیر امامت در بیان شیوای حضرت رضا علیه السلام

برای تبیین دیدگاه امام رضا علیه السلام نسبت به موضوع امامت، بهتر آن است که به سراغ کلام خود ایشان برویم و از سرچشمه معارف الهی ایشان، بهره‌مند شویم. از این جهت، روایتی بس عمیق و زیبا از آن وجود گران قدر را ذکر می‌کنیم:

عبدالعزیز بن مسلم گوید:

ما به همراه علی بن موسی الرضا علیه السلام در مرو بودیم. در آغاز ورود خود، روز جمعه، در مسجد جامع گرد آمدیم و در موضوع امامت - که مورد اختلاف فراوان مردم بود - گفتگو کردیم و آنگاه شرفیاب حضور سرور خود، امام رضا علیه السلام شدم و گفتگوهای مردم را در امر امامت به عرض او رسانیدم.

ایشان تبسمی کرد و فرمود: «ای عبدالعزیز! این مردم، نادانند و در رأی و دین خود فریب خورده‌اند. به راستی که خداوند عزوجل، جان پیغمبر خود را نگرفت تا زمانی که دین را برای او کامل کرد و قرآنی برای او فرستاد که شرح همه چیز در آن است. حلال و حرام و

حدود و احکام و هر آن‌چه مردم بدان نیاز دارند، همه را در آن بیان کرد و فرمود: «ما در این کتاب، چیزی را فرو گذار نکردیم»^۱. در سفر حجة الوداع - که در اواخر عمر پیغمبر بود - نیز چنین نازل کرد: «امروز دین را برای شما کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را برای شما پسندیدم تا دین شما باشد»^۲. [پس] امر امامت از کمال دین و تمام نعمت است.

پیغمبر از دنیا نرفت تا همه معالم دین را برای مردم بیان کرد و راه را برایشان روشن ساخت و آنها را بر جاده حق واداشت و علی علیه السلام را برای آنها رهبر و پیشوا قرار داد و از چیزی که مورد نیاز امت باشد، صرف نظر نکرد تا آن را بیان نمود. هر که گمان برد که خدا دینش را کامل نکرده، کتاب خدا را رد کرده و هر که کتاب خدا را رد کند، کافر است.

آیا از قدر و جایگاه امامت در میان امت خبر دارند تا اختیار و انتخاب آنان در رابطه با او روا باشد؟ به راستی که امامت، اندازه‌های فرائر، مقامی والاتر، موقعیتی بالاتر، آستانی منیع‌تر و عمقی فروتر از آن دارد که مردم با عقل خود، بدان رسند یا با رأی و نظر خود، آن را درک کنند، یا به انتخاب خود، امامی بگمارند.

۱. انعام، ۳۸.

۲. مائده، ۳.

امامت، مقامی است که حضرت ابراهیم علیه السلام پس از دارا بودن مقام نبوت و خلت بدان رسید، و سومین درجه و فضیلتی بود که خدایش، بدان مشرف کرد و نامش را به وسیله آن، بلند نمود و فرمود: «بدرستی که من تو را برای مردم، امام قرار دادم». خلیل از شادمانی عرض کرد: «و از ذریه و نژاد من هم؟» اما خداوند تبارک و تعالی فرمود: «عهد و فرمان من به ظالمان نخواهد رسید».^۱ این آیه، تا روز قیامت، امامت هر ظالمی را باطل معرفی کرد و آن را مخصوص برگزیدگان پاک ساخت.

سپس خداوند عزوجل او را گرامی داشت و امامت را در ذریه و نژاد برگزیده او نهاد و فرمود: «اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و همه را شایسته نمودیم و آنها را رهبرانی ساختیم که به دستور ما هدایت می‌کردند. کارهای خیر و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات را به آنها وحی کردیم و آنها تنها ما را عبادت می‌کردند».^۲

این امامت، همیشه در ذریه او بود و آنها آن را قرن به قرن، از هم به ارث می‌بردند تا به پیغمبر صلی الله علیه و آله رسید و خدا فرمود: «به راستی، سزاوارترین مردم به ابراهیم، پیروان اویند و همین پیغمبر و کسانی

۱. بقره، ۱۲۴.

۲. انبیاء، ۷۲ و ۷۳.

که به او گرویدند؛ و خدا، ولی مؤمنان است».^۱

این مقام امامت، به آن حضرت اختصاص داشت تا آن چنان که خدای تعالی واجب کرده بود، به علی علیه السلام واگذار نمود. سپس به ذریه برگزیده او منتقل گردید که خدا به آنها علم و ایمان داده است؛ چنانچه فرمود: «کسانی که دانش و ایمان یافته‌اند، می‌گویند قطعاً شما [به موجب آنچه] در کتاب خداست، تا روز رستاخیز مانده‌اید، و این، روز رستاخیز است؛ ولی شما نمی‌دانستید».^۲

پس آن امر، در فرزندان علی علیه السلام تا قیامت خواهد ماند. زیرا پس از محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیغمبری نیست. این بی‌خردان، چطور برای خود امام تعیین می‌کنند با آنکه امامت، مقام انبیاء و ارث اوصیاء است؟

امامت، خلافت خدا و رسول خدا، مقام امیرالمؤمنین علیه السلام و میراث حسن و حسین علیهما السلام است. به راستی امامت، زمام دین و نظام مسلمین و عزت مؤمنین است. امامت، بنیاد پاک اسلام و شاخه بابرکت آن است. به وسیله امامت، نماز و روزه و زکات و حج و جهاد کامل می‌شوند؛ غنیمت و صدقات، بسیار می‌گردند؛ حدود و احکام، اجرا می‌شوند و مرزها و نواحی کشور، مصون می‌مانند.

امام، حلال و حرام خدا را بیان می‌کند؛ حدود خدا را برپا می‌دارد؛

۱. آل عمران، ۶۸

۲. روم، ۵۶.

از دین خدا دفاع می‌کند و با حکمت و پند نیک و دلیل رسا به راه خدا دعوت می‌نماید. امام مانند آفتابی است که در عالم طلوع کند و آن در افقی است که دست و دیده مردم بدان نمی‌رسد. امام، ماه تابنده، چراغ فروزنده، نور برافروخته و ستاره راهنما در تاریکی شب‌ها و بیابان‌های تنها و گرداب دریاها است. امام، برای رفع تشنگی، آب گوارا و راهنمای هدایت و نجات بخش از نابودی است. امام برای سرمازدگان چون آتشی است بر تپه و دلیلی است در تاریکی‌ها که هر که از آن جدا شود، هلاک است.

امام، ابری است بارنده؛ بارانی است سیل آسا؛ آفتابی است فروزان؛ آسمانی است سایه بخش؛ زمینی است گسترده؛ چشمه‌ای است جوشنده و همانند برکه و باغ است. امام، امینی است یار و پدری است مهربان و برادری است دلسوز و پناه بندگان خدا است در موقع ترس و پیشامدهای بد. امام، امین خدای عزوجل است در میان خلقش و حجت او است بر بندگان و خلیفه او است در بلادش و دعوت کننده به سوی خدای عزوجل و دفاع کننده از حقوق اوست.

امام، کسی است که از گناهان، پاک است و از عیوب، برکنار. به دانش، مخصوص است و به حلم و بردباری، موسوم. نظام دین است و عزت مسلمین و خشم منافقین و هلاک کفار. امام یگانه روزگار است، کسی با او برابر نیست و دانشمندی با او هم سنگ نیست. جایگزین و

مانند و نظیر ندارد. بدون آنکه در پی آن باشد مخصوص است به فضل و از طرف مفضلّ منان، بدان اختصاص یافته است. کیست که به حق شناسایی امام برسد یا تواند او را انتخاب کند؟ هیهات؛ هیهات! خرده‌ها درباره‌اش گمراه، خاطر‌ها حیران، عقل‌ها سرگردان و چشم‌ها بی‌دید هستند. بزرگان در اینجا کوچکنند. حکیمان در حیرت، بردباران، کوتاه نظر، هوشمندان، گیج و نادان، شعراء، لال و گنگ، ادباء، درمانده، و سخندانان، بی‌زبان هستند. هیچ کس، شرح یک مقامش نتواند و وصف یکی از فضائلش، نداند. همه به عجز معترفند.

چگونه توان کنهش را وصف کرد و اسرارش را فهمید؟ چطور کسی به جای او نشیند و حاجت مربوط به او را برآورد؟ چطور؟ از کجا؟ او در مقام خود، اختیری است که برافروزد و از دسترس دست‌یازان و وصف واصفان فراتر است. انتخاب بشر کجا به این پایه رسد؟ عقل کجا و مقام امام کجا؟ کجا چنین شخصیتی یافت شود؟ گمان برند که در غیر خاندان رسول صلی الله علیه و آله امامی یافت شود؟ خودشان، تکذیب خود کنند. بیهوده آرزو برند و به گردنه بلند و لغزنده‌ای گام نهند که آنها را به نشیب پرتاب کند. خواهند به عقل نارسای خود امامی سازند و به رای گمراه کننده خود پیشوایی پردازند؟ جز دوری از مقصد حق، بهره نبرند. خدا آنها

را بکشد. تا کی دروغ گویند؟ به پرتگاه در آمدند و دروغ بافتند و سخت به گمراهی افتادند و به سرگردانی گرفتار شدند.

دانسته و فهمیده، امام خود را گذاشتند و پرچم باطل افراشتند: «شیطان کارشان را برابرشان آرایش داد و آنها را از راه بگردانید با آنکه حق، جلوی چشم آنها بود».^۱

از انتخاب خدای جل جلاله و رسول خدا صلی الله علیه و آله روی برتافتند و به انتخاب باطل خویش گراییدند؛ با اینکه قرآن به آنها می‌گوید: «پروردگار تو، آنچه خواهد، بیافریند و انتخاب کند. آنها اختیاری در کار خود ندارند. خدا منزّه و برتر است از آنچه شریک او شمارند».^۲

و نیز فرموده است: «هنگامی که خدا و رسول الله در مورد امری حکم کنند، برای هیچ مرد و زن با ایمان، اختیاری نیست»^۳ و فرموده است: «شما را چه شده است، چگونه قضاوت می‌کنید؟ آیا کتابی دارید که در آن می‌خوانید که حق دارید چه اختیار کنید؟ یا از ما قسم و پیمان مؤکدی تا روز قیامت دارید؟ از آنان بپرس کدامشان در این موضوع پیشواست یا برای آنها شریکانی است؟ شریکان خود را

۱. عنکبوت، ۳۸.

۲. قصص، ۶۸.

۳. احزاب، ۳۶.

بیاورند اگر راست می‌گویند».^۱

و خدای عزّ و جلّ فرموده است: «آیا در قران تدبیر نمی‌کنند یا قفل بر دل دارند یا خدا دلشان را مهر کرده و نمی‌فهمند؟»^۲ یا: «گویند می‌شنویم و شنوائی ندارند. برآستی بدترین جنبندگان نزد خدا، کرها و گنگ‌هایی هستند که عقل ندارند. اگر خدا در آنها خیری می‌دانست به آنها شنوائی می‌داد و اگر هم شنوائی می‌داد، پشت می‌کردند و رو بر می‌گردانیدند».^۳ یا: «گویند شنیدیم و عمداً مخالفت کردیم».^۴ بلکه «آن فضلی است که خدا به هر که خواهد دهد و خدا صاحب فضل بزرگ است».^۵

چگونه می‌توانند امام اختیار کنند با آنکه باید امام شخصیتی باشد که:

دانا باشد و نادانی نداشته باشد؛

راعی و سرپرستی باشد که شانه خالی نکند و مردم را آزار نرساند؛

معدن قدس و طهارت و نور و زهد و علم و عبادت باشد؛

از طرف رسول خدا و از جانب او معین شود؛

از نژاد فاطمه زهرا علیها السلام مطهره بتول علیها السلام باشد؛

۱. قلم، ۳۶ - ۳۹.

۲. محمد، ۲۴.

۳. انفال، ۲۲ و ۲۳.

۴. بقره، ۹۳.

۵. حدید، ۲۱.

از نسل رفیع بنی هاشم و عترت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پسند خدای عزوجل باشد؛

شرف اشراف و زاده عبد مناف باشد؛

شکافنده حقائق علم و دارای مقام کامل بردباری و حلم باشد؛

مملو از معنویات و دانای به تدبیر و سیاست باشد؛

واجب الاطاعه باشد و به امر خدا قیام کند؛

و ناصح بندگان خدا و حافظ دین خدای عزوجل باشد.

به راستی، خدا، پیغمبران و امامان علیهم السلام را توفیق داده و از مخزون علم و حکمت خود به آنها چیزهایی عطا کرده که به دیگران نداده و دانش آنها برتر از دانش همه اهل زمان آنها است؛ چنانچه خدای عزوجل فرماید: «آیا کسی که رهبری کند، شایسته پیروی است یا کسی که نیازمند هدایت است؟ شما را چه شده؟ چگونه قضاوت می‌کنید»^۱ و: «به هر که حکمت داده شد، خیر بسیار داده شده و جز خردمندان یادآور آن نباشند»^۲ و درباره طالوت فرماید: «براستی خدا او را بر شما برگزید و در علم و جسم، افزونی داد. خدا به هر که

۱. یونس، ۳۵.

۲. بقره، ۲۶۹.

خواهد، ملکش را بدهد. خدا واسع و دانا است».^۱

و درباره پیغمبر خود فرموده: «کتاب و حکمت را بر تو فرو فرستاد و آنچه نمی دانستی به تو تعلیم نمود و فضل خدا بر تو، بزرگ است»^۲ و درباره خاندانش - که از آل ابراهیم هستند - فرمود: «آیا در آنچه خدا از فضل خود به آنها داده، حسد برند؟ محققاً به آل ابراهیم، کتاب و حکمت را عطا کردیم و به آنها ملک و حکومت بزرگی دادیم. برخی بدان ایمان داشته و برخی ندارند. دوزخ با آتشی افروخته آنان را کافی است».^۳

و همانا هرگاه خداوند تبارک و تعالی بندهای را برای امور بندگانش اختیار کند، شرح صدر به او مرحمت کند و چشمه های حکمت را در قلب او به ودیعه نهد و دانش خود را از راه الهام به او بیاموزد تا در پاسخ هیچ سؤال و پرسشی در نماند و از حق و حقیقت سرگردان نشود. زیرا او، معصوم و مشمول کمک و تأیید خداوند است. از خطا و لغزش و برخورد ناصواب، در امان است. خدا او را بدین صفات اختصاص داده تا حجت بالغه بر هر کدام از بندگانش و شاهد او بر خلقش باشد. «این فضل الهی است که به هر که خواهد عطا

۱. بقره، ۲۴۷.

۲. نساء، ۱۱۳.

۳. نساء، ۵۴ و ۵۵.

کند، و خدا صاحب فضل بزرگی است».^۱

آیا بشر قادر است که چنین امامی انتخاب کند؟ یا منتخب آنها دارای چنین صفاتی است که آن را پیش انداخته‌اند؟ قسم به حق خانه خدا که تعدی کردند و قرآن را پشت سر انداختند. مثل اینکه مطلب را نمی‌دانند. هدایت و شفا در کتاب خدا است که به آن پشت کردند و پیرو هوای خود شدند و خدا آنها را نکوهید و دشمن داشت و بدبخت ساخت و فرمود: «کیست گمراه‌تر از آنکه پیرو هوس خویش و بدون رهبری از جانب خداست؟ به راستی خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند»^۲ و فرمود: «[این کار] نزد خدا و آنها که [به او] گرویدند، دشمنی بزرگی است. خدا بر دل هر متکبر جباری، مهر زند»^۳ و صلی الله علی محمد وآله وسلّم تسلیماً کثیراً.

آنچه از این روایت گران‌بها و فرموده شیرین و متین امام رضا علیه السلام به دست می‌آید، برای تمامی مسلمین و به خصوص شیعیان، بسیار با اهمیت و در این ظلمات غیبت و حیرت، راه‌گشا و هدایت‌دهنده است.

۱. حدید، ۲۹.

۲. قصص، ۵۰.

۳. غافر، ۳۵.

به صورت کلی، محور مطالبی که آن حضرت، در این حدیث، بیان کرده‌اند را می‌توان این چنین به اجمال درآورد:

- ضرورت معین شدن خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی خدا و کفر منکرین این امر

- معین نمودن حضرت علی علیه السلام به عنوان جانشین از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و به دستور خداوند، جهت اكمال دین

- الهی بودن امر امامت و قصور مردم از شناخت و تعیین امام
- اعطای مقام امامت از سوی خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام و پس از ایشان، به ذریه و نسل او و سپس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اوصیای ایشان علیهم السلام.

- هدایتگری امام در ظلمات جهل و حیرت، هم چون ماه تابنده و چراغ فروزنده

- رفع عطش تشنگان معارف الهی از سوی امام، همانند آب گوارا

- امام، پناه بندگان خدا

- امام، مدافع حقوق الهی

- امام، نظام دین و عزت مسلمین

- امام، دانا و توانا بر همه امور عالم

- امام، سرپرستی که هیچ‌گاه در وظایف خود، سستی نمی‌کند

رسیدن نسل همه امامان به حضرت زهرا علیها السلام

وجوب اطاعت از امام و هم‌ردیف بودن آن با اطاعت از خدا



فصل دوم:

ضرورت و نیاز جامعه به حجت خدا

۱) زمین هیچ‌گاه از حجت خدا خالی نمی‌ماند

۱- صفار به سند خود، از سلیمان جعفری روایت کرده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام سؤال کردم: آیا زمین از حجت خدا خالی می‌ماند؟ امام فرمود: «اگر زمین - ولو به اندازه یک چشم به هم زدن - خالی از حجت باشد، اهلش را در خود فرو می‌برد».^۱

۲- شیخ صدوق در کتاب *عیون أخبار الرضا علیه السلام* به سند خود از فضل بن شاذان روایت کرده است که گفت: مأمون از حضرت رضا علیه السلام درخواست کرد که اسلام ناب و خالص را برای او به طور اختصار بنویسند و امام در پاسخ او نوشتند:

«همانا اسلام خالص، شهادت دادن به یکتایی خداوند است که معبودی جز او نیست... و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده و امین و

۱. بصائر الدرجات، ص ۴۸۹، ح ۸.

گزیده و برگزیده از میان خلق او است. او سرور رسولان و خاتم پیامبران و برترین اهل عالم است.

پیامبری بعد از او نیست؛ آئین او دگرگون نمی‌شود و شریعت او تغییر نمی‌کند و آنچه او آورده، همگی حق روشن و آشکار است. و [دیگر از موارد ایمان] تصدیق او و همه رسولان و پیامبران و حجج الهی که پیش از آن حضرت بوده‌اند، است؛ و تصدیق کتاب او که راست و درست و گرانبها است.

و [دیگر اینکه] پس از آن حضرت، برادر، جانشین، وصی و ولی امر و آن کسی که نسبت به او به منزله هارون نسبت به موسی بود، یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام، راهنمای بشر و حجت بر مؤمنان و قیام کننده به امور مسلمانان و بیان کننده قرآن و عالم به احکام آن است. او امیر اهل ایمان و پیشوای پرهیزکاران و زمامدار روسفیدان و برترین اوصیاء و وارث علم پیامبران و رسولان است.

و بعد از او دو فرزندش، امام حسن و امام حسین علیهما السلام، دو سرور جوانان بهشت هستند. سپس علی بن الحسین علیه السلام زینت عبادت کنندگان؛ پس از او محمد بن علی علیه السلام شکافنده علوم پیامبران؛ پس از او جعفر بن محمد، امام صادق علیه السلام وارث علوم اوصیاء؛ پس از او موسی بن جعفر علیه السلام فرو برنده خشم؛ پس از او علی بن موسی حضرت رضا علیه السلام؛ پس از او محمد بن علی علیه السلام؛ پس از او علی بن محمد علیه السلام؛

پس از او حسن بن علی علیه السلام و پس از او، حجت و قیام کننده‌ای است که باید انتظار او را کشید.

باید به وصایت و امامت همگی آنها گواهی داد و اینکه زمین، هیچ‌گاه و در هیچ زمانی از حجت خدا خالی نمی‌ماند. و اینکه آنها دست‌آویز محکم و مورد اطمینان و پیشوایان هدایت و حجت بر اهل دنیا هستند تا آن زمانی که خداوند، زمین و آنچه در آن است را به ارث ببرد.

و اینکه هر کس با آنها مخالفت کند، گمراه و گمراه کننده و رها کننده حق و هدایت است. و اینکه آنان، زبان قرآنند و گفتارشان بر اساس آن است و بیان کننده کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و گویندگان از طرف او می‌باشند و هر کس از دنیا رود و آنان را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده [و بهره‌ای از اسلام و دین نبرده] است^۱.



۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۰، ح ۱.

فصل سوم:

نسب پاک آن حضرت

(۱) او از فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است

صدوق رحمته الله در کتاب *کمال الدین*، از حضرت رضا علیه السلام نقل کرده که آن حضرت از امیرالمؤمنین علیه السلام و ایشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که در ضمن حدیثی فرمود: «آن قیام کننده که از فرزندان من است، بدون تردید غایب خواهد گردید».^۱

در همان کتاب و کتاب *عیون اخبار الرضا* علیه السلام از آن حضرت و به واسطه ایشان از پدران تا از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد: ای رسول خدا، چه وقت آن قیام کننده که از ذریه شما است خروج خواهد کرد؟...».^۲

۱. *کمال الدین*، ج ۱، ص ۵۱. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۳، ح ۲۱)

۲. *کمال الدین*، ج ۲، ص ۳۷۲، ح ۶ و *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۵، ح ۳۵.

(برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۴، ح ۲۷)

فصل سوم: نسب پاک آن حضرت [۳۱]

و نیز در کتاب *عیون اخبار الرضا* علیه السلام از آن حضرت نقل شده که ایشان به واسطه پدرانشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند: «قیامت به پا نگرود تا قیام کننده‌ای به حق، از ما قیام کند»^۱

(۲) او از فرزندان امام حسین علیه السلام است

صدوق رحمته الله در کتاب *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، از حضرت رضا علیه السلام نقل کرده که ایشان، از پدران بزرگوارش و آنها از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده‌اند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی فرمودند: ... برای امر امت من، مردی از فرزندان امام حسین علیه السلام قیام کند»^۲

و نیز در کتاب *کمال الدین* روایت شده که آن حضرت از پدران بزرگوارش، و آنان از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده‌اند که به امام حسین علیه السلام فرمود: «ای حسین، نهمین نفر از فرزندان تو، آن قیام کننده به حق است»^۳

۱. *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹، ح ۲۳۰. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۳، ح ۲۰)

۲. *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ج ۲، ص ۶۶، ح ۲۹۳. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۳، ح ۱۹)

۳. *کمال الدین*، ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۱۶. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۳، ح ۲۳)

(۳) او از فرزندان امام باقر علیه السلام است

کشی در کتاب رجال خود، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده که در ضمن حدیثی فرمودند: «امام باقر علیه السلام فرموده است: هفتمین از ما، قیام کننده ما خواهد بود اگر خدا بخواهد».^۱

(۴) او از فرزندان حضرت رضا علیه السلام است

۳- صدوق رضی الله عنه در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «فتنه کور و کری قطعاً تحقق خواهد یافت و گریزی از آن نیست و آن، هنگامی است که شیعه، سومین نفر از فرزندان مرا از دست دهد».^۲

همو در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمود: «هیچ گونه گریزی نیست از وقوع فتنه‌ای... و آن هنگامی است که شیعه، سومین فرزند مرا از دست دهد».^۳

۱. رجال کشی، ص ۳۷۳، ح ۷۰۰. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف: ۵، ب: ۴، ح: ۳)

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶، ح ۱۴. (برای مطالعه کامل حدیث، رک: ف: ۵، ب: ۴، ح: ۲۴)

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۴. (برای مطالعه کامل حدیث، رک: ف: ۵، ب: ۴، ح: ۲۵)

و نیز در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام از آن حضرت روایت شده است که در ضمن حدیثی فرمودند: «گویا شیعیان را می بینم هنگامی که سومین فرزند مرا از دست بدهند؛ چراگاهی را بجویند و آن را نیابند».^۱

و در کتاب *کمال الدین*، از ریان بن صلت روایت شده است که گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: شما صاحب این امر هستید؟ فرمود: «... آنکه مورد نظر توست، چهارمین فرزند من خواهد بود».^۲

در همان کتاب، از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که شخصی به آن حضرت عرض کرد: قیام کننده از شما اهل بیت، چه کسی است؟ امام فرمود: «او چهارمین فرزند من است و از سرور کنیزان عالم به دنیا خواهد آمد».^۳

نعمانی رحمته الله در کتاب *غیبت*، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند: «...تا آنکه [خداوند] برای این امر، مردی از ما اهل بیت را برانگیزد...».^۴

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۳، ح ۶ و علل الشرایع، ج ۱، ص ۳۴۵، ح ۶

(برای مطالعه کامل حدیث، رک: ف ۵، ب ۴، ح ۲۶)

۲. *کمال الدین*، ج ۲، ص ۳۷۶. (برای مطالعه کامل حدیث، رک: ف ۴، ب ۵، ح ۱۳)

۳. *کمال الدین*، ج ۲، ص ۳۷۱. (برای مطالعه کامل حدیث، رک: ف ۵، ب ۱، ح ۱۴)

۴. *غیبت نعمانی*، ص ۱۷۳، ح ۹. (برای مطالعه کامل حدیث، رک: ف ۴، ب ۵، ح ۱۰)

(۵) او از فرزندان امام جواد علیه السلام است

شیخ مفید در کتاب *ارشاد*، از حضرت رضا علیه السلام نقل کرده که ایشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که در ضمن حدیثی فرمود: «از فرزندان امام جواد علیه السلام است آنکه آواره بیابان‌ها و فراری از دشمنان خواهد بود».^۱

(۶) او از فرزندان امام عسکری علیه السلام است

خزّار قمی در کتاب *کفایة الأثر*، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که به دعبل فرمودند: «امام بعد از من، محمد، فرزند من است... (تا آنجا که فرمود): و بعد از حسن علیه السلام، فرزندش حضرت حجت قائم علیه السلام است».^۲

اربلی در کتاب *کشف الغمّة*، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: «خلف صالح، یعنی آخرین خلیفه الهی، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام خواهد بود و از القاب مبارکش، صاحب الزمان و مهدی است».^۳



۱. *ارشاد مفید*، ص ۳۵۶. (برای مطالعه کامل حدیث، رک: ف ۵، ب ۴، ح ۳۳)
۲. *کفایة الاثر*، ص ۲۷۵. (برای مطالعه کامل حدیث، رک: ف ۵، ب ۴، ح ۲۷)
۳. *کشف الغمّة*، ج ۲، ص ۴۷۵. (برای مطالعه کامل حدیث، رک: ف ۵، ب ۴، ح ۳۴)

فصل چہارم:

ولادت آن حضرت و نامہا و القاب مبارک او

۱) پنهان بودن ولادت آن حضرت

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *کمال الدین*، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند: «...تا آنکه برای این امر، مردی را برانگیزد که ولادت او مخفی و محل رشد و نمای او پنهان است».^۱

نعمانی نیز در کتاب *غیبت*، همین روایت را نقل کرده است.^۲

۲) نام اصلی آن حضرت، نام پیامبر، یعنی «م ح م د» است

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که درباره حضرت حجت - ارواحنا له الفداه -

۱. *کمال الدین*، ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۱. (برای مطالعه کامل حدیث، رک: ف ۴، ب ۵، ح ۱۰)

۲. *غیبت نعمانی*، ص ۱۷۳، ح ۹. (برای مطالعه کامل حدیث، رک: ف ۴، ب ۵، ح ۱۰)

فرمودند: «پدر و مادرم فدای او که همنام جدّم رسول خدا ﷺ است»^۱.

۳) از بردن نام اصلی آن حضرت، باید خودداری نمود

۴) شیخ صدوق رحمته الله با ذکر سند از ریان بن صلت روایت کرده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام در مورد امام قائم رحمته الله سؤال شد. فرمود: «شخص او از دیده‌ها ناپدید می‌شود و نام او برده نمی‌شود»^۲.

۵ - حنینی در کتاب هدایة الکبری، از ریان بن صلت روایت کرده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که درباره امام مهدی رحمته الله فرمود: «او دیده نمی‌شود و کسی بعد از غیبت، نام او را نمی‌برد تا اینکه همه خلق او را ببینند و نام او آشکار شود و همه بشنوند».

عرض کردیم: ای سرور ما! اگر بگوییم صاحب غیبت یا صاحب الزمان یا مهدی [یعنی او را با القاب یاد نماییم] آیا اشکالی دارد؟ حضرت فرمودند: «نه، اینها جایز است. ما شما را از تصریح نمودن به نام اصلی او نهی نموده‌ایم تا نام او از دشمنان ما پنهان بماند و او را

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۴. (برای مطالعه کامل حدیث، رک: ف: ۵،

ب: ۴، ح ۲۴)

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۲.

وسيله نشانند»^۱

۶ - در کتاب *وسيلة النجاة*، آمده است که به حضرت رضا علیه السلام عرض کردند: نام قیام کننده شما چیست؟ فرمودند: «ما از اینکه نام او را پیش از ولادتش ببریم، ممنوع شده‌ایم»^۲

۴) برخاستن از جای خود، هنگامی که از او به لفظ «قائم» یاد شود

۷ - در کتاب *تنزیه الخاطر*، روایت شده است که در مجلس حضرت رضا علیه السلام نام شریف قائم علیه السلام به میان آمد و آن حضرت از جای خود برخاست و دست‌ها را بر روی سر نهاد و عرض کرد: «خدایا! در فرج او تعجیل فرما و راه خروجش را هموار گردان»^۳

۸ - عبدالرضا بن محمد در کتاب خود، «*تأجیح میزان الأحنان فی*

وفات سلطان خراسان» می‌نویسد:

روایت شده است که وقتی دعبل خزاعی، قصیده معروف خود را در محضر امام رضا علیه السلام می‌خواند، به این شعر رسید: «ناگزیر امامی از ما خروج خواهد کرد/ و او به نام خدا، همراه با برکات فراوان الهی، قیام می‌کند». در این زمان، امام برخاست و بر روی قدم‌های مبارک

۱. هدایة الکبری، ص ۳۶۴.

۲. وسیلة النجاة، ص ۴۱۶.

۳. الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۷.

خود ایستاد؛ دست راست را بر سر نهاد و در حالی که سر را مقداری به طرف پائین فرود آورده بود، دعا کرد و فرمود: «خداوندا! در فرج و ظهور او شتاب کن و ما را به وسیله او یاری فرما».^۱

۵) القاب مبارک آن حضرت

استرآبادی رحمته الله در کتاب *تأویل الآیات*، در ضمن حدیثی از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که ایشان فرمود: «اگر آن سید خلق (سرور جهانیان) قیام کند...».^۲

اربلی رحمته الله در کتاب *کشف الغمّه*، در ضمن حدیثی از آن حضرت روایت کرده است که فرمود: «او، صاحب الزمان و مهدی است».^۳

حزینی در کتاب *هدایة الکبری*، نقل کرده که دعبل خزاعی به حضرت رضا علیه السلام عرض کرده است: اگر از حضرت مهدی علیه السلام با القابشان یاد کنیم و مثلاً بگوییم صاحب غیبت یا صاحب الزمان یا مهدی، آیا اشکالی دارد؟ حضرت فرمود: «نه، با هر یک از این القاب

۱. القطره، ج ۱، ص ۴۸۷، ح ۸۳

۲. تأویل الآیات، ج ۲، ص ۴۹۱، ح ۱۰. (برای مطالعه کامل حدیث، رک: ف ۵، ب ۱، ح ۱۵)

۳. کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۷۵. (برای مطالعه کامل حدیث، رک: ف ۵، ب ۴، ح ۳۴)

۴۰ □ جلوه‌های مهدوی در کلمات رضوی علیه السلام

جایز است از او یاد نمایید.^۱



۱. هدایة الکبری، ص ۳۶۴. (برای مطالعه کامل حدیث، رک: ف ۳، ب ۳، ح ۵)

فصل پنجم:

شمایل، اوصاف، فضائل

و شباهت‌های آن حضرت به پیامبران

(۱) شمایل آن حضرت

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند: «هاله‌ای از نور، وجود مبارک او را احاطه کرده که با پرتویی از نور مقدس الهی، فروزان است...»^۱

(۲) اوصاف آن حضرت

در کتاب *وسيلة النجاة* از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مهدی علیه السلام از همه مردمان، داناتر، بردبارتر، پرهیزکارتر، سخاوتمندتر، شجاع‌تر و پارساتر است»^۲.

۱. *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، ج ۲، ص ۶ ح ۱۴. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف

۵، ب ۴، ح ۲۴)

۲. *وسيلة النجاة*، ص ۴۱۶. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۵، ح ۳۳)

۳) فضائل آن حضرت

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، به واسطه حضرت رضا علیه السلام، از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمود: «به سوی او (حضرت مهدی علیه السلام) بروید؛ اگر چه لازم باشد به شکل سینه خیز بر روی برفها و یخها حرکت کنید. همانا او خلیفه الهی بر روی زمین و جانشین من است»^۱.

۴) شباهت او به پیامبران

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمود: «پدر و مادرم فدای او که هم نام جدّم و شبیه من و موسی بن عمران علیه السلام است»^۲.

۹- کشتی در کتاب *رجال*، از حسین صیرفی روایت کرده است که گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: فدای شما شوم، پدر بزرگوارتان [در باره حضرت مهدی علیه السلام] چه کرد و چه نظری داشت؟ فرمود: «همان راه پدرانش را رفت».

۱. *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹، ح ۲۳۰. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک:

ف ۵، ب ۳، ح ۲۰)

۲. *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ج ۲، ص ۶، ح ۱۴. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک:

ف ۵، ب ۴، ح ۲۴)

عرض کردم: چه کنم با حدیثی که زرعه از سماعة بن مهران روایت کرده که امام صادق علیه السلام فرمودند: «پسرم (امام کاظم علیه السلام) دارای پنج شباهت با پنج پیامبر است؛ مانند یوسف، مورد حسد واقع می‌شود، مانند یونس، غایب می‌گردد و... (سه شباهت دیگر ذکر کرد).
 امام علیه السلام فرمود: «زرعه دروغ گفته است. حدیث سماعة چنین نبود؛ بلکه او از امام صادق علیه السلام روایت کرد: در صاحب این امر، یعنی امام قائم علیه السلام پنج شباهت از پیامبران است و نفرموده بود فرزندم».^۱

۵) علامت‌ها و نشانه‌های آن حضرت

۱۰- نعمانی در کتاب غیبت، از ایوب بن نوح روایت کرده است که گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: امیدوارم که صاحب این امر (تشکیل حکومت واحد جهانی) شما باشید و خداوند، آن را بدون زحمت لشکر کشی و شمشیر زنی به شما مرحمت فرموده باشد؛ زیرا برای شما بیعت گرفته شده و به نام شما سکه زده شده است.
 امام علیه السلام فرمود: «هیچ یک از ما نیست که نامه‌های دعوت [به سوی سران و سواران و با انگشت به سوی اشاره می‌شود و از مسائل مختلف، سؤال می‌گردد و اموالی را برای او ارسال می‌نمایند، مگر آنکه

۱. رجال کشی، ص ۴۷۷، ح ۹۰۴.

او را [با شمشیر] به شهادت رسانند و یا [به وسیله سم] در بستر از دنیا رود؛ تا آنکه [خداوند] برای این امر، مردی از ما را برانگیزد که ولادت و محل رشد و نمای او مخفی، اما در نسب او هیچ گونه خفائی نیست»^۱.

شیخ صدوق در کتاب *کمال الدین*، این حدیث را با سند دیگری از ایوب بن نوح، با اختلاف کمی در الفاظ، روایت کرده است.^۲

۱۱- نعمانی در کتاب *غیبت*، با ذکر سند از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «این امر (امامت) به سوی کسی کشیده می-شود که قابلیت حمل آن را دارد»^۳.

۱۲- حرّانی رحمته الله در کتاب *تحف العقول*، از معمر بن خلاد روایت کرده است که به حضرت رضا علیه السلام عرض کرد: خداوند فرج شما را تعجیل فرماید. امام علیه السلام فرمود: «ای معمر! این دعا در حقیقت به نفع شما و در واقع، فرج شما است؛ اما به خدا قسم، من، به همان کسیه‌ای که در آن مُشتی آرد است و بر آن مهر زده شده، قناعت می‌کنم»^۴.

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۷۳، ح ۹.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۱.

۳. غیبت نعمانی، ص ۳۴۰، ح ۴.

۴. تحف العقول، ص ۴۴۶، ح ۳۷.

۱۳- شیخ صدوق علیه السلام در کتاب *کمال الدین*، از ریان بن صلت روایت کرده است که گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: آیا شما صاحب الامر هستید؟ فرمود: «من صاحب الامر هستم؛ ولی نه آن صاحب الامری که عالم را پر از عدل و داد می‌کند، همان طور که پر از ظلم و جور و ستم باشد. و چگونه من می‌توانم آن حضرت باشم، با این ضعف بدنی و ناتوانی جسمی که مشاهده می‌کنی؟»

همانا قائم کسی است که در هنگام ظهور در سنین پیری است؛ ولی به شکل جوان ظاهر می‌گردد. او از نظر بدنی، به قدری قوی و نیرومند است که اگر دست خود را به سوی بزرگ‌ترین درختی که روی زمین است، دراز کند، آن را از ریشه می‌کند، و اگر میان کوه‌ها فریادی برآورد، سنگ‌ها از هم پاشیده می‌شوند و فرو می‌ریزند.

او عصای موسی علیه السلام و خاتم سلیمان علیه السلام را به همراه دارد و چهارمین فرزند من است. خداوند، به قدری که بخواهد، او را در حجاب و پوشش پنهان می‌دارد، سپس او را آشکار می‌سازد تا جهان را پر از عدل و داد فرماید؛ همان گونه که از جور و ستم، پر شده باشد.^۱



۱. *کمال الدین*، ج ۲، ص ۳۷۶ و *مکیال المکارم*، ج ۱، ص ۳۴.

فصل ششم

بشارت کتاب‌های آسمانی و معصومین علیهم‌السلام

به حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فی‌فرجه‌النبوت و قیام او

(۱) آیات قرآنی که به آن حضرت و قیامش تأویل شده است

شیخ صدوق علیه السلام در کتاب *کمال الدین*، از دعبل خزاعی و او از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کردند: امام قائم علیه السلام - که از ذریه شما است - چه زمانی قیام خواهد کرد؟ فرمود: مثل آن حضرت، مثل قیامت است که جز او کسی وقت آن را روشن و آشکار نسازد. [این امر] در آسمان‌ها و زمین، بسی سنگین است، و شما را جز [به صورت] ناگهانی نیاید»^۱.

۱۴- در همان کتاب، از حسین بن خالد روایت شده است که گفت: حضرت رضا علیه السلام فرمودند: «کسی که ورع ندارد و تقیه نمی‌کند، ایمان ندارد. همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند تبارک و تعالی، کسی

۱. *کمال الدین*، ج ۲، ص ۳۷۲، ح ۶ (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۴، ح

است که تقیه را بیشتر رعایت کند».

به آن حضرت عرض کردند: ای فرزند رسول خدا تا چه زمانی؟
فرمود: «تا روز وقت معلوم؛ که آن روز، روز خروج قائم ما است. هر
کس پیش از خروج قائم ما تقیه را رعایت نکند از ما نیست».

سؤال کردند: قیام کننده از شما اهل بیت چه کسی است؟ فرمود:
«چهارمین فرزند من که از سرور کنیزان عالم به دنیا خواهد آمد.
خداوند، به وسیله او، زمین را از هر ستمی، پاک و از هر ظلمی،
پاکیزه می‌گرداند».

او کسی است که مردم در ولادت او شک و تردید می‌کنند
[چراکه] پیش از خروجش، غایب خواهد شد. و چون خروج کند،
زمین به نور او درخشان گردد. او ترازوی عدل را در میان مردم قرار
می‌دهد [تا] هیچ کس به دیگری ستم نکند. زمین زیر پایش طی
می‌شود و برای او سایه‌ای نیست.

منادی غیبی از آسمان برای او ندا می‌کند، [به صورتی] که همه
مردم آن ندا را بشنوند و [آن ندا] آنها را به سوی آن حضرت دعوت
می‌کند و می‌گوید: آگاه باشید که حجت خدا در کنار خانه خدا ظاهر
شده است. از او پیروی کنید که حق، با او و در شأن اوست؛ و این
فرمایش خداوند تبارک و تعالی است: «اگر بخواهیم آیتی از آسمان
نازل می‌کنیم که گردن‌ها برای آن فرود آیند و در برابر آن فروتنی

نمایند^۱»^۲.

حمیری در کتاب *قرب الاسناد*، از آن حضرت روایت کرده است: «چه نیکو است شکیبایی و انتظار فرج! آیا نشنیده‌اید گفتار بنده شایسته را که گفت: «چشم به راه باشید که من هم به همراه شما، چشم به راهم»^۳ و «منتظر باشید که من به همراه شما از منتظرین هستم»^۴»^۵.

۱۵- استر آبادی در کتاب *تأویل الآیات*، از حسن بن شاذان واسطی روایت کرده است که گفت: نامه‌ای به حضرت رضا علیه السلام نوشتم و در آن از جفای اهل واسط - که گروهی عثمانی مذهب بودند و مرا اذیت می‌کردند - شکوه کردم.

امام علیه السلام با خط شریف خود مرقوم فرمودند: «خداوند از اولیای خود، میثاق گرفته است که در دولت باطل، صبر و شکیبایی نمایند؛ پس نسبت به حکم پروردگارت صابر باش [چراکه] در هنگام قیام

۱. شعراء، ۴.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۵.

۳. هود، ۹۳.

۴. یونس، ۲۰.

۵. *قرب الاسناد*، ص ۳۸۰، ح ۱۳۴۳. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۸، ب ۵، ح

سرور جهانیان، آنها خواهند گفت: «وای بر ما! چه کسی ما را از آرامگاه خویش برانگیخت؟ این وعده خداوند رحمان است و فرستادگان او راست گفتند»^۱،^۲

۱۶- قندوزی در کتاب *ینابیع المودة*، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه شریفه آن گاه که منادی، از مکانی نزدیک ندا دهد، گوش فرا دار... آن روز، روز خروج است»^۳، فرمود: «آن روز، روز خروج فرزندانم، امام قائم حضرت مهدی علیه السلام است»^۴

۱۷- علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود، از فضالة بن ایوب روایت کرده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام در مورد آیه شریفه «آیا اندیشه کرده‌اید که اگر آب شما فروکش کند و ناپدید گردد، چه کسی برای شما آب گوارا خواهد آورد؟»^۵ پرسیدم.

حضرت فرمود: «مقصود از آب در این آیه، امام است. یعنی اگر امام شما از دیدگانتان پنهان گردد، چه کسی برای شما علم امام را خواهد آورد و شما را از اخبار آسمان و زمین با خبر خواهد

۱. یس، ۵۲.

۲. *تأویل الآیات*، ج ۲، ص ۴۹۱، ح ۱۰ و کافی، ج ۸، ص ۲۴۷، ح ۳۴۶.

۳. ق، ۴۱.

۴. *ینابیع المودة*، ص ۴۴۸ و *احقاق الحق*، ج ۱۳، ص ۳۴۶.

۵. ملک، ۳۰.

ساخت؟»^۱

(۲) خبر دادن کتب پیشینیان از آمدن آن حضرت و قیام او

۱۸- شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *اعیان اخبار الرضا علیه السلام*، به سند خود از

کعب الاحبار روایت کرده است که امام در مورد خلفای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

فرمود: «آنها دوازده نفرند؛ هنگامی که مدت آنها به پایان رسد و گروه

صالح آیند، خداوند، عمر آنها را طولانی می‌گرداند؛ [چراکه] او نسبت

به این امت، چنین وعده فرموده است:

«خداوند، به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل شایسته

انجام دهند، وعده فرموده است که آنها را روی زمین، جانشین سازد؛

همان‌گونه که پیشینیان را جانشین ساخت^۲».

آنگاه فرمود: «خداوند عزوجل نسبت به بنی اسرائیل چنین کرد و

دشوار نیست که این امت را نیز در یک روز یا نصف روز گرد آورد: «و

همانا یک روز نزد پروردگارت، مانند هزار سال است از آنچه شما

شمارش می‌کنید»^۳.

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۶۵.

۲. نور، ۵۵.

۳. حج، ۴۷.

۴. *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، ج ۱، ص ۵۱، ح ۱۶.

۳) خبر دادن پیامبر اکرم ﷺ از آمدن آن حضرت و قیام او

۱۹- شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، به سند خود از حضرت رضا علیه السلام و آن حضرت از پدرانش، تا امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دنیا سپری نمی‌گردد تا آنکه مردی از نسل امام حسین علیه السلام به امر امت من قیام کند. او زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ همان طور که از ظلم و ستم پر شده باشد».^۱

۲۰- در همان کتاب از حضرت رضا علیه السلام، و ایشان از پدران بزرگوارشان روایت شده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: قیامت برپا نمی‌شود تا قیام کننده به حقی از ما قیام کند و آن، هنگامی است که خداوند تبارک و تعالی به او اذن و فرمان دهد. هر کس از او پیروی نماید، اهل نجات است و هر که تخلف نماید، هلاک و نابود می‌گردد.

بندگان خدا! شما را به خدا، شما را به خدا، به سوی او بروید؛ اگر چه از روی برف و یخ باشد. زیرا او خلیفه خدا و جانشین من است».^۲

۲۱- در کتاب *کمال الدین*، از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که آن حضرت به نقل از پدرانش، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است:

۱. *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ج ۲، ص ۶۶ ح ۲۹۳.

۲. *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹، ح ۲۳۰.

«سوگند به کسی که مرا به حق، بشارت دهنده برانگیخت؛ قیام کننده‌ای از فرزندان من، طبق عهد و پیمانی که با من نموده، غایب خواهد شد؛ به گونه‌ای که بیشتر مردم بگویند حاجت و نیازی به آل محمد علیهم السلام نیست و بعضی نیز در ولادت او شک کنند.

[پس] هر کس آن زمان را درک کرد، باید به دین خود، محکم چنگ بزند و با شک و تردید، راه را برای نفوذ شیطان، هموار ننماید؛ که اگر چنین شود، شیطان، او را از دین و آئین من منحرف می‌سازد و خارج می‌کند و او پیش از این، پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرده است و همانا خداوند، شیاطین را اولیای کسانی قرار داده که ایمان ندارند»^۱.

۲۲- در همان کتاب و نیز کتاب عیون و کتاب علل، از حضرت رضا روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی فرمود: «... هنگامی که به آسمان برده شدم، جبرئیل در آن جا اذان و اقامه گفت و هر بند آن را دو بار تکرار کرد. سپس به من گفت: ای محمد! جلو بایست. به او گفتم: ای جبرئیل! بر تو پیشی بگیرم و مقدم شوم؟ گفت: آری؛ زیرا خداوند، پیامبرانش را بر فرشتگانش برتری بخشیده، خصوصاً شما را برتر از همه قرار داده است. پس جلو ایستادم و

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۵۱.

فرشتگان به من اقتدا نمودند و [اما] این، فخری برای من نیست. هنگامی که به حجاب‌های نور رسیدم، جبرئیل گفت: ای محمد! مرا رها کن و خود پیش برو. به او گفتم: در مثل چنین جایی مرا تنها می‌گذاری؟ گفت: ای محمد! اینجا نهایت صعود من و آخرین محل پرواز من است و اگر از این حدی که پروردگارم برایم معین فرموده، اندکی تجاوز کنم، پر و بالم خواهد سوخت.

من در این هنگام، در میان نور افکنده شدم و تا آنجا که خدا خواست، پیش رفتم. آنگاه ندایی رسید و مرا صدا زد. من ندا را پاسخ گفتم و عرض کردم: لبیک‌ای پروردگار من! ندا برخاست: ای محمد! تو بنده من و من، پروردگار توام. تنها مرا پرستش کن و بر من توکل نما؛ که تو نور من در میان بندگان، و فرستاده من به سوی خلق، و حجت من در میان آفریدگانم هستی.

بهشت را تنها برای تو و پیروانت آفریده‌ام و جهنم را برای آنان که با تو مخالفت نمایند، خلق کرده‌ام و برای اوصیای تو، کرامت خویش را واجب نموده‌ام و برای شیعیان ایشان، ثواب و پاداش قرار داده‌ام.

عرض کردم: پروردگارا! اوصیای من چه کسانی هستند؟ ندا رسید: ای محمد! نام آنان بر ساق عرشم نوشته شده است. به ساق عرش، نظر کردم؛ دوازده قطعه نور دیدم که در هر یک، سطری سبز رنگ بود و در هر کدام از آنها، نام یکی از اوصیایم - که اولین آنان، علی

بن ابی طالب علیه السلام و آخرین آنان، مهدی امتم بود - را مشاهده کردم.
 عرض کردم: پروردگارا! اینها اوصیای من بعد از من هستند؟ ندا
 رسید: ای محمد! اینان بعد از تو، اولیا و اوصیا و برگزیدگان و حجج
 من بر بندگانم و اوصیا و جانشینان تو هستند.

به عزت و جلالم قسم، دینم را به وسیله آنان، آشکار، و کلمه
 خویش را به وسیله آنان، بالا می‌برم و زمین را به وسیله آخرین آنان
 از دشمنانم پاک می‌گردانم و او را مالک شرق و غرب عالم می‌کنم.

باد را مسخر و فرمانبردارش و ابرهای سخت و سهمگین را رام او
 خواهم نمود. درهای آسمان را به روی او خواهم گشود و با لشگریانم
 او را یاری خواهم رساند و با فرشتگانم او را مدد خواهم نمود. تا آنکه
 دعوتم را آشکار سازد و همه خلق را بر اساس توحید، متحد کند.
 سپس ریاست و سلطنت و فرمانروایی او را استمرار می‌بخشم و تا روز
 قیامت، روزگار را در اختیار اولیائم قرار خواهم داد.^۱

۲۳- شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *کمال الدین*، به سند خود از حضرت
 رضا علیه السلام روایت کرده است: «امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش، امام
 حسین علیه السلام فرمود: ای حسین جان! نهمین فرزند تو، قیام کننده به
 حق و آشکار کننده دین و گسترش دهنده عدالت است.

۱. *کمال الدین*، ج ۱، ص ۲۵۴؛ *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، ج ۱، ص ۲۰۴ و *علل الشرایع*،

امام حسین علیه السلام عرض کرد: ای امیر مؤمنان! چنین چیزی تحقق پیدا می‌کند؟ فرمود: آری؛ سوگند به کسی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به نبوت برانگیخت و او را بر تمام مخلوقاتش برگزید [تحقق خواهد یافت]، ولی بعد از غیبت و حیرتی که [اهل ایمان] بر دینشان ثابت نمی‌مانند؛ جز کسی که اهل اخلاص و برخوردار از روح یقین باشد؛ کسانی که خداوند، برای ولایت ما از آنان، عهد و پیمان گرفته و ایمان را در دل‌های آنان ثابت نموده و با نیرویی از ناحیه خودش، آنها را تأیید فرموده است»^۱.

۴) روایاتی از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام درباره غیبت و قیام آن حضرت

۲۴- شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، به سند خود از حسن بن محبوب روایت کرده است که گفت:

حضرت رضا علیه السلام به من فرمودند: «فتنه‌ای کور و کوبنده، و آشوبی کمر شکن، ناگزیر روی خواهد داد که در آن، خواص و راز داران، سقوط خواهند کرد و آن، هنگامی است که شیعه، سومین فرزند مرا از دست دهد. اهل آسمان و زمین و همه عاشقان و شیفتگان و درماندگان و دلسوختگان بر او گریه کنند».

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۱۶.

سپس فرمود: «پدر و مادرم فدای او؛ که هم‌نام جدم و شبیه من و موسی بن عمران علیه السلام است. هاله‌ای از نور، وجود مبارک او را احاطه کرده و با پرتویی از نور مقدس الهی، فروزان است. چه بسیار زن و مرد مؤمنی که با از دست دادن آن آب گوارا، دل سوخته و حیران و اندوهگین خواهند بود.

گویا آنها را می‌بینم که در حال یأس و ناامیدی، ندایی می‌شنوند؛ ندایی که از دور و نزدیک، یکسان شنیده شود او آن، فریاد حجت حق است]. او که برای مؤمنان، رحمت و برای کافران، عذاب و عقوبت است».^۱

۲۵- در همان کتاب، از احمد بن زکریا روایت شده است که گفت: حضرت رضا علیه السلام به من فرمود: «منزل تو در بغداد کجاست؟» عرض کردم: در کرخ. فرمود: «آگاه باش که آن‌جا، سالم‌ترین محل در آن روزگار [غیبت] است و فتنه‌ای کور و گنگ و کمر شکن، ناگزیر روی خواهد داد که در آن، خواص و رازداران سقوط خواهند کرد و آن، هنگامی است که شیعه، سومین فرزند مرا از دست دهد».^۲

۲۶- شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *علل الشرائع* و نیز *عیون اخبار*

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶، ح ۱۴.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۴.

الرضا علیه السلام، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:
«گویا شیعیان را می‌بینم هنگام از دست دادن سومین فرزندم؛ که مانند گله‌ای بی‌چوپان، به دنبال چراگاه و پناهگاهی باشند و آن را نجویند». عرض شد: ای فرزند رسول خدا! چرا چنین حالی به آنها دست می‌دهد؟ فرمود: «به خاطر اینکه امامشان از آنها پنهان می‌گردد». پرسیدند: چرا پنهان می‌گردد؟ فرمود: «به خاطر اینکه وقتی با شمشیر قیام کرد، بیعت هیچ کس بر گردن او نباشد».^۱

۲۷- شیخ صدوق رحمته الله در *کمال الدین و عیون اخبار الرضا علیه السلام*، به سند خود از دعبل خزاعی روایت کرده است که گفت: هنگامی که برای حضرت رضا علیه السلام قصیده‌ام - که شروع آن با این بیت است: «محلّ تدریس آیات الهی که اکنون از تلاوت آیات بر کنار مانده است/ و محل نزول وحی پروردگار که از فعالیت، بازمانده است» - را خواندم، به این ابیات رسیدم:

«ناگزیر امامی از ما خروج خواهد کرد/ و او به نام خدا همراه با برکات فراوان الهی قیام می‌کند/ هر حق و باطلی را در میان ما از یک‌دیگر جدا می‌کند/ و بر اساس نعمت‌ها یا عقوبت‌ها جزا می‌دهد»
حضرت رضا علیه السلام گریه شدیدی کرد. سپس سر مبارک را بالا آورد و

۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۶ و عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۳، ح ۶.

به من نظر کرد و فرمود: «ای خزاعی! این دو بیت را روح القدس بر زبان تو جاری کرد. آیا می‌دانی آن امام کیست و چه زمانی قیام می‌کند؟»

عرض کردم: نه‌ای مولای من؛ جز اینکه شنیده‌ام امامی از شما خروج خواهد کرد که زمین را از هر گونه فساد و تباهی پاک می‌گرداند و آن را پر از عدل و داد می‌نماید؛ همان‌طور که پر از ستم شده باشد.

امام علیه السلام فرمود: «امام بعد از من، فرزندم محمد است و بعد از محمد، فرزندش علی و بعد از علی، فرزندش حسن و بعد از او، فرزندش حجه بن الحسن خواهد بود. او قیام کننده‌ای است که باید در غیبتش، انتظار او را کشید و در ظهورش، کاملاً از او اطاعت کرد. اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند تبارک و تعالی، آن روز را به قدری طولانی خواهد نمود که او خروج کند و زمین را پر از عدل و داد گرداند؛ همان‌طور که پر از ستم شده باشد.

اما پرسش از زمان خروج، پرسش از وقت است؛ که نباید از آن خبر داد. پدرم از پدرش از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد: قیام کننده از ذریه شما، چه زمانی خروج خواهد کرد؟ فرمود: مثل او، مثل ساعت و قیامت است، (وقت آن را جز خداوند، آشکار نمی‌کند. در آسمان‌ها گران و سنگین است و در

زمین، جز ناگهانی نخواهد آمد^۱.)^۲

خزّاز در در کتاب کفایة الأثر، به سند دیگری از هروی، روایت مذکور را نقل کرده است.^۳

۲۸- شیخ صدوق^{رحمته الله} در کتاب کمال الدین، از عبدالسلام هروی نقل کرده است که گفت: دعبل خزاعی در مرو خدمت حضرت رضا^{علیه السلام} شرفیاب شد و عرض کرد: قصیده‌ای در مدح شما سروده‌ام و قسم یاد کرده‌ام که آن را قبل از شما، برای کسی نخوانم.

امام^{علیه السلام} اجازه فرمودند که آن را بخواند.

دعبل شروع کرد به خواندن قصیده‌اش که متجاوز از ۱۲۰ بیت بود و با این بیت شروع می‌شد:

«محلّ تدریس آیات الهی که اکنون از تلاوت آیات، برکنار مانده است / و محلّ نزول وحی پروردگار که از فعالیت، بازمانده است».

اما چون به این بیت رسید: «غنیمتی که مال ایشان است در دست دیگران می‌بینم که بین خودشان تقسیم می‌کنند / در حالی که دست خود ایشان از آن، خالی مانده است» حضرت رضا^{علیه السلام} گریست و فرمود: «راست گفתי‌ای خزاعی».

۱. اعراف، ۱۸۷.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۲، ح ۶ و عیون اخبار الرضا^{علیه السلام}، ج ۲، ص ۲۶۵، ح ۳۵.

۳. کفایة الأثر، ص ۲۷۵.

و چون به این بیت رسید: «هنگامی که به آنها ستم شود به ستمگر خود، دست انتقام دراز نمی‌کنند / بلکه بدی را با احسان مقابله می‌کنند و دستشان از انتقام خالی است» حضرت رضاعلی علیه السلام کف دستان خود را زیر و رو کرد و فرمود: «آری؛ به خدا قسم خالی است».

و چون به این بیت رسید: «هر آینه زندگی من در دنیا آمیخته با ترس و وحشت بود / و همانا امیدوارم که بعد از مرگم، از امن و امان برخوردار باشم» حضرت رضاعلی علیه السلام برایش دعا کرد و فرمود: «خداوند تو را امان دهد و ایمن گرداند، روزی که وحشت و هراس آن زیاد است».

و هنگامی که دعبل به این بیت رسید: «و قبری از شما برای آن وجود پاک در بغداد است / و غرفه بهشت است که او را دربر گرفته است» حضرت رضاعلی علیه السلام فرمود: «آیا به این قسمت از قصیده‌ات، دو بیت اضافه کنم تا قصیده‌ات با آن کامل شود؟» عرض کرد: بله. فرمود:

«و قبری در طوس است که برای آن، چه بسیار مصائب است / و تا روز قیامت، آتش از دل‌های سوخته، شعله ور خواهد بود / تا آنکه خداوند، قیام کننده و منتظر ما را برساند / و غصه‌ها و اندوه ما را

برطرف سازد».^۱

۲۹- نعمانی در کتاب غیبت، به سند خود از محمد بن ابی یعقوب روایت کرده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: «به زودی شیعیان به امتحانی بزرگ و سخت مبتلا می‌شوند؛ تا آنکه گفته شود: [امام دوازدهم] غایب گردید و از دنیا رفت، و بعضی گویند: امامی نیست».^۲

۳۰- کشتی در کتاب رجال، به سند خود از داود رقی روایت کرده است: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: فدای شما شوم، به خدا قسم چیزی از امر شما در سینه‌ام دچار شک نشده است، جز حدیثی که از ذریح شنیده‌ام و آن را از امام باقر علیه السلام روایت کرده است.

امام علیه السلام فرمود: «آن حدیث چیست؟» عرض کردم: شنیدم که می‌فرمود: هفتمین ما قیام کننده ما است إن شاء الله. امام علیه السلام فرمود: «تو راست گفتی؛ ذریح راست گفته و امام باقر علیه السلام نیز درست فرموده‌اند». عرض کردم: به خدا قسم، شک من افزون شد».

امام فرمود: «ای داود! به خدا قسم، اگر موسی به آن عالم نگفته بود: مرا شکیبایابی إن شاء الله، از او چیزی سؤال نمی‌کرد، و

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۳، ح ۶

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۸۵، ح ۲۷.

همچنین امام باقر علیه السلام اگر نگفته بود: *إن شاء الله*، هر آینه همان طور می‌شد اولی چون فرموده است *ان شاء الله*، نشان از این دارد که مطلب، حتمی نبوده است.^۱

۳۱- شیخ صدوق در کتاب *امالی و عیون*، به سند خود از ریان بن شیب روایت کرده است که گفت: روز اول محرم، خدمت حضرت رضا علیه السلام شرفیاب شدم. امام در ضمن مطالبی فرمودند: «چهار هزار نفر از ملائکه برای نصرت و یاری او (امام حسین علیه السلام) در سرزمین کربلا فرود آمدند؛ اما امام علیه السلام به آنها اجازه جنگ نداد و آنها در کنار قبر آن حضرت، ژولیده و غبار آلود مانده‌اند، تا آنکه قیام کننده ما قیام کند و آنها از یاوران او شوند و شعارشان خونخواهی امام حسین علیه السلام باشد».^۲

۳۲- شیخ مفید رحمته الله در کتاب *ارشاد*، به سند خود از علی بن جعفر روایت کرده است که گفت: حضرت رضا علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند: «ای عمو! آیا از پدرم نشنیدی که می‌فرمود: پدرم فدای فرزند بهترین کنیزان پاک؛ [چراکه] از فرزندان او کسی است که آواره بیابان‌ها و فراری از دست دشمنان است. او که صاحب غیبت

۱. رجال کشی، ص ۳۷۳، ح ۷۰۰.

۲. *امالی صدوق*، ص ۱۹۲، ح ۵ و *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۵۸.

است و [در زمان غیبتش] گفته می‌شود مُرد یا هلاک گردید». عرض کردم: راست گفתי فدای شما شوم؛ همین طور است.^۱

۳۳- در کتاب وسیلة النجاة، از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مهدی علیه السلام داناترین، بردبارترین، پرهیزکارترین، سخاوتمندترین، شجاع‌ترین و عابدترین مردم است. او ختنه شده و پاک و پاکیزه به دنیا آید».^۲

۳۴- اربلی در کتاب کشف الغمّه، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است: «خلف صالح، آن آخرین خلیفه الهی، از فرزندان حسن بن علی، امام عسکری علیه السلام است و از القاب او صاحب الزمان و مهدی است».^۳



۱. ارشاد مفید، ص ۳۵۶.

۲. وسیلة النجاة، ص ۴۱۶ و احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۶۷.

۳. کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۷۵.

فصل هفتم:

**غیبت آن حضرت و حوادث و فتنه‌هایی که
پیش از ظهور او رخ می‌دهد**

۱) غیبت آن حضرت علیه السلام و علت آن

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *کمال الدین*، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که به نقل از پدران‌شان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده‌اند که در ضمن حدیثی فرمود: «بدون تردید، آن قیام کننده - که از فرزندان من است - غایب خواهد شد، به خاطر عهد و پیمانی که با من بسته است».^۱

در همان کتاب، از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که فرمود: «امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: او (حضرت مهدی علیه السلام) خواهد آمد؛ ولی بعد از غیبت و حیرتی که مردم، دچار آن گردند».^۲

۱. *کمال الدین*، ج ۱، ص ۵۱. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۳، ح ۲۱)

۲. *کمال الدین*، ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۱۶. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۳،

در *عیون اخبار الرضا* علیه السلام از آن حضرت روایت شده است: «گویا شیعیان را می بینم هنگام از دست دادن سومین فرزندم؛ که مانند گله ای بی چوپان به دنبال چراگاه و پناهگاهی هستند و آن را نمی-جویند». عرض شد: ای فرزند رسول خدا! چرا چنین حالی به آنها دست می دهد؟ فرمود: «به خاطر اینکه امامشان از آنها پنهان می-شود». پرسیدند: چرا پنهان می شود؟ فرمود: «برای اینکه وقتی با شمشیر قیام کرد، بیعت هیچ کس، بر گردن او نباشد».^۱

و در همان کتاب از حضرت *رضا* علیه السلام روایت شده است: «شخص شریف او دیده نمی شود...».^۲

حضینی در کتاب *هدایة الکبری* نیز از آن حضرت روایت کرده است: «قائم ما، حضرت مهدی علیه السلام، جسم شریفش دیده نمی شود».^۳

صدوق رحمته الله در کتاب *کمال الدین*، از آن حضرت روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمود: «او چهارمین فرزند من است. خداوند او را

۱. *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۳، ح ۶ (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف

۵، ب ۴، ح ۲۶)

۲. *کمال الدین*، ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۲. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۳، ب ۳، ح

۴)

۳. *هدایة الکبری*، ص ۳۶۴. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۳، ب ۳، ح ۵)

در حجاب و پوشش خود پنهان نگه می‌دارد به مقداری که بخواهد»^۱.
در همان کتاب، از آن حضرت روایت شده است که در ضمن حدیثی فرمود: «او پیش از خروجش، دارای غیبت است»^۲.
شیخ مفید در کتاب *ارشاد* نیز از آن حضرت روایت کرده است: «او کسی است که انتقام پدر و جد بزرگوارش گرفته نشده و دارای غیبت است»^۳.

صدوق علیه السلام در کتاب *علل الشرائع*، از آن حضرت روایت کرده است: «امام [دوازدهم] شیعیان از [میان] آنها غایب می‌شود». پرسیدند: چرا؟ فرمود: «به خاطر اینکه هنگام ظهور، بیعت کسی بر گردن او نباشد»^۴.

۳۵- شیخ صدوق علیه السلام در کتاب *کمال الدین*، به سند خود از حضرت رضاء علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

«خضر از آب حیات خورد و تا نفخه صور نخواهد مرد و زنده

۱. *کمال الدین*، ج ۲، ص ۳۷۶. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف: ۴، ب: ۵، ح: ۱۳)

۲. *کمال الدین*، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۵. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف: ۵، ب: ۱، ح

(۱۴)

۳. *ارشاد مفید*، ص ۳۵۶. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف: ۵، ب: ۴، ح: ۳۲)

۴. *علل الشرائع*، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۶. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف: ۵، ب: ۴، ح

(۲۶)

خواهد ماند. او نزد ما می‌آید، بر ما سلام می‌کند و با ما سخن می‌گوید. ما صدایش را می‌شنویم، اما شخص او را نمی‌بینیم. در هر کجا که از او یاد شود، حضور پیدا می‌کند و لذا هر کس او را یاد می‌کند، خوب است سلامی هم به او عرض کند. همه ساله در مراسم حج شرکت می‌کند، تمام مناسک حج را به جا می‌آورد، در عرفه می‌ایستد و به دعای مؤمنان، آمین می‌گوید.

خداوند، او را انیس قائم ما قرار می‌دهد و به وسیله او، وحشت و غربت آن حضرت را برطرف می‌سازد».^۱

۲) اسلام، غریبانه آغاز شده و به زودی غریب می‌گردد

۳۶- شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *کمال الدین*، به سند خود از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که به واسطه پدرانش، از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت فرمود: «اسلام، با غربت شروع شده و همان طور که در آغاز بوده است، به زودی دچار غربت می‌شود. پس خوشا به حال افراد غریب؛ که دست از اسلام بر نمی‌دارند و دین خود را به هیچ قیمتی و در هیچ شرایطی رها نمی‌کنند».^۲

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۹۰، ح ۴.

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۴۵.

۳) فتنه‌ای کور و کمر شکن، ناگزیر رخ خواهد داد

شیخ طوسی رحمته الله در کتاب غیبت، به نقل از حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام روایت کرده است: «فتنه‌ای کور و کوبنده، و آشوبی کمر شکن، ناگزیر روی خواهد داد که در آن، خواص و راز داران، سقوط خواهند کرد و آن، هنگامی است که شیعه، سومین فرزند مرا از دست دهد. اهل آسمان و زمین و همه عاشقان و شیفتگان و درماندگان و دلسوختگان بر او گریه کنند.

پدر و مادرم فدای او؛ که همانم جدّم و شبیه من و موسی بن عمران علیه السلام است. هاله‌ای از نور، وجود مبارک او را احاطه کرده و با پرتویی از نور مقدس الهی فروزان است. چه بسیار، زن و مرد مؤمنی که با از دست دادن آن آب گوارا، دل‌سوخته و حیران و اندوهگین خواهند بود. گویا آنها را می‌بینم که در حال یأس و ناامیدی، ندایی می‌شنوند؛ ندایی که از دور و نزدیک، یکسان شنیده می‌شود او آن، فریاد حجت حق است]. او که برای مؤمنان، رحمت و برای کافران، عذاب و عقوبت است»^۱.

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶، ح ۱۴. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک:

۴) چهار حادثه پیش از قیام آن حضرت، واقع می‌شود

۳۷- حمیری رضی الله عنه در *قرب الاسناد*، از بزنی روایت کرده است که از حضرت رضا علیه السلام شنید: «امام باقر علیه السلام می‌فرمود: پیش از قیام قائم رضی الله عنه، چهار حادثه رخ می‌دهد که دلالت بر خروج آن حضرت می‌کند. سه حادثه روی داده و یکی باقی مانده است. عرض شد: آنهایی که گذشته، چه بوده است؟ فرمود: ماه رجبی که در آن، حاکم خراسان از حکومت خلع شد؛ ماه رجبی که علی بن زبیده حرکت کرد و ماه رجبی که محمد بن ابراهیم، در کوفه خروج کرد».

پس از امام رضا علیه السلام پرسیدند: ماه رجب چهارم، به قیام قائم رضی الله عنه متصل است؟ آن حضرت پاسخ داد: «حضرت باقر علیه السلام این چنین فرمود».^۱

۵) حادثه‌ای بین حرمین رخ می‌دهد

۳۸- در همان کتاب، از بزنی روایت شده که گفت: از حضرت رضا علیه السلام درباره ظهور سؤال کردم. امام علیه السلام فرمود: «حضرت صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش، امام باقر علیه السلام روایت کرده است که اولین علامت فرج در سال ۱۹۵ [هجری قمری] تحقق پیدا می‌کند. در سال ۱۹۶، عرب

زمام خود را از دست می‌دهد. در سال ۱۹ علیه السلام، برای آنها نابودی و در سال ۱۹۸ ترک وطن و آوارگی رخ می‌دهد. در سال ۱۹۹، این شاءالله، خداوند، بلا را برطرف می‌کند و در سال ۲۰۰ آنچه بخواهد انجام می‌دهد».

عرض کردم: فدای شما شوم! به ما خبر بده از آنچه در سال ۲۰۰ واقع می‌شود. فرمود: «اگر بنا بود به کسی خبر دهم، به شما خبر می‌دادم. من از مکان و جایگاه شما در آن زمان، خبر دارم و آن حوادث را می‌دانم؛ ولی مصلحت در اظهار آن نیست. اما هنگامی که خداوند تبارک و تعالی، اظهار چیزی از حق را بخواهد، بندگان او قادر به پنهان کردن آن نیستند».

و فرمود: «پیشاپیش این امر (ظهور) و از نشانه‌های فرج، حادثه‌ای است که میان دو حرم (مسجدالحرام و مسجدالنبی) واقع می‌شود». عرض کردم: چه حادثه‌ای؟ فرمود: «فلانی از خاندان فلان، ۱۵ نفر از پهلوانان عرب را می‌کشد».^۱

۶) پرچم‌هایی که پیش از ظهور و قیام آن حضرت، حرکت می‌کنند
۳۹- شیخ مفید در *ارشاد* و شیخ طوسی در کتاب *غیبت*، از حسن

۱. *قرب الاسناد*، ص ۳۷۰ ف ح ۱۳۲۶.

بن جهم روایت کرده‌اند که گفت: شخصی از امام رضا علیه السلام درباره فرج سؤال کرد. امام علیه السلام فرمود: «طولانی بگویم یا برایت خلاصه کنم؟» عرض کرد: به اجمال بفرمائید.

فرمود: «هنگامی که پرچم‌های قیس در مصر و پرچم‌های کنده در خراسان به حرکت در آیند».^۱

۴۰- شیخ مفید رحمته الله در *ارشاد*، از حضرت ابوالحسن علیه السلام روایت کرده است: «گویا پرچم‌هایی به رنگ سبز را می‌بینم که از مصر به حرکت درآمده‌اند و به سوی شامات روانه گشته‌اند و به طرف فرزند صاحب وصیّات هدایت می‌شوند».^۲

۷) پیشاپیش این امر، بیوح (حرارت یا قتل شدید) است

۴۱- نعمانی در کتاب *غیبت*، از بزنتی روایت کرده است که گفت: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: «پیشاپیش این امر، بیوح است» و من معنای بیوح را نفهمیدم. اتفاقاً به حج رفتم و در آنجا از عربی شنیدم که می‌گفت: امروز، روز بیوح است. به او گفتم: بیوح یعنی چه؟ گفت: یعنی گرمای زیاد.^۳

۱. *ارشاد مفید*، ص ۳۷۶ و *غیبت طوسی*، ص ۴۴۸، ح ۴۴۹.

۲. *ارشاد مفید*، ص ۴۰۷.

۳. *غیبت نعمانی*، ص ۲۷۹، ح ۴۴.

۴۲- حمیری در کتاب *قرب الاسناد*، از بزنتی و او از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است: «پیشاپیش این امر، کشتار بیوح است». عرض شد: بیوح به چه معنا است؟ فرمود: «یعنی پیوسته، طوری که بین آن فاصله نباشد».^۱

۸) خروج سفیانی

۴۳- در همان کتاب، از بزنتی روایت شده است که از حضرت ابوالحسن علیه السلام سؤال کرد: آیا قائم علیه السلام بدون سفیانی قیام خواهد کرد؟ فرمود: «امر قائم از امور حتمی الهی است و امر سفیانی نیز از امور حتمی خداوند است، و هرگز قیام قائم علیه السلام بدون خروج سفیانی نخواهد بود». عرض شد: فدای شما شوم! آیا امسال واقع خواهد شد؟ فرمود: «آنچه خدا بخواهد می‌شود». عرض شد: سال آینده می‌شود؟ فرمود: «آنچه خدا بخواهد، انجام دهد».^۲

۴۴- نعمانی در کتاب *غیبت*، از حسن بن جهم نقل کرده که به حضرت رضا علیه السلام عرض کرد: مردم می‌گویند سفیانی هنگامی قیام می‌کند که سلطنت بنی‌العباس تمام شده باشد. حضرت فرمود:

۱. *قرب الاسناد*، ص ۱۷۰ و *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۲۴۲، ح ۱۱۳.

۲. *قرب الاسناد*، ص ۳۷۴، ح ۱۳۲۹ و *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۱۸۲، ح ۵.

«دروغ گفته‌اند. او قیام می‌کند در حالی که سلطنت آنها باقی و پابرجا است»^۱.

۴۵- در همان کتاب، از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است: «پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام، پنج علامت دیده می‌شود. خروج سفیانی، قیام یمانی، خروج مروانی، شعیب بن صالح و ظاهر شدن دستی از آسمان، به گونه‌ای که افراد، آن را به یکدیگر نشان دهند»^۲.

۹) صیحه و ندای آسمانی

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند: «ندیی بلند شود که دور و نزدیک، آن را به طور یکسان بشنوند»^۳.

و در کتاب *کمال الدین*، از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است: «مهدی کسی است که منادی به اسم او ندا کند و مردم را به سوی دعوت کند و بگوید: آگاه باشید که حجت خدا ظاهر گشته است. و

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۱۵، ح ۱۱ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۱، ح ۱۳۹.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۶۲، ح ۱۲ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳، ح ۹۹.

۳. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶، ح ۱۴. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵،

آن ندا را همه اهل زمین بشنوند».^۱

(۱۰) دجال

در کتاب *صحيفة الرضا* علیه السلام، از آن حضرت نقل شده که به واسطه پدران بزرگوارش، از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده‌اند: «کسی که با ما در آخرالزمان، سر ستیز داشته باشد، همانند کسی است که زیر پرچم دجال به جنگ ما آمده باشد».^۲



۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۵. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف: ۵، ب: ۲، ح

۲. *صحيفة الرضا* علیه السلام، ص ۳۰۰.

فصل هشتم:

احوال شیعه و مؤمنین در غیبت آن حضرت

(۱) در آن زمان، قلب مؤمن از غصه آب می‌شود

۴۶- شیخ طوسی رحمته الله در کتاب *امالی*، به سند خود از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: زمانی بر مردم می‌آید که قلب مؤمن در درونش آب می‌شود، همان طور که مس در آتش آب می‌شود و این نیست جز به خاطر بدعت‌هایی که در دین مشاهده می‌کند و نمی‌تواند آنها را تغییر دهد»^۱

(۲) دل‌های مومنان، امتحان می‌شود و خالص از ناخالص جدا می‌گردد

۴۷- شیخ طوسی رحمته الله در کتاب *غیبت*، به سند خود از امام رضا علیه السلام روایت کرده است: «آگاه باشید، به خدا قسم، آن چیزی که به آن چشم دوخته‌اید، نخواهد شد تا آنکه جدا گردید و با امتحان

۱. *امالی طوسی*، ج ۲، ص ۱۳۲، ح ۴۳.

آشکار شوید، و جز اندکی از شما [بر دین] باقی نماند. (آیا پنداشته اید که وارد بهشت خواهید شد در حالی که خداوند، مجاهدان از شما و صابران را مشخص نساخته است؟) ^۱» ^۲

۴۸- نعمانی رضی الله عنه در کتاب غیبت، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است: «به خدا قسم، آنچه به سوی آن چشم دوخته‌اید، تحقق پیدا نمی‌کند تا آنکه آزمایش و امتحان شوید و خالص و ناخالص جدا شود و جز اندک و خیلی اندک از شما [بر دین] باقی نماند.» ^۳

۴۹- کلینی رضی الله عنه در کتاب کافی، از معمر بن خلاد روایت کرده است: حضرت ابا الحسن علیه السلام، این آیه را تلاوت کرد: (آیا مردم پنداشته‌اند که چون گفتند ایمان آوردیم، آنها را رها می‌کنند و امتحان نمی‌شوند) ^۴. سپس به من فرمود: «مقصود از فتنه و امتحان چیست؟»

عرض کردم: فدای شما شوم! آنچه نزد ما است، این است که مقصود، امتحان در دین است. فرمود: «مردم در کوره امتحان قرار داده می‌شوند؛ همان طور که طلا را در کوره قرار می‌دهند تا نوع

۱. آل عمران، ۱۴۲.

۲. غیبت طوسی، ص ۳۳۶، ح ۲۸۳.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۱۶، ح ۱۵.

۴. عنکبوت، ۱ و ۲.

خوب آن را از نوع بد بشناسند و مردم خالص می‌شوند همان طور که
طلا خالص می‌شود».^۱

(۳) ارتداد بیشتر کسانی که قائل به امامت آن حضرت هستند

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *کمال الدین*، از آن حضرت نقل کرده است:
«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی فرمودند: غیبتی رخ خواهد
داد... تا آنکه بیشتر مردم بگویند خدا را نیازی به آل محمد علیهم السلام
نباشد و بعضی در ولادت او دچار تردید شوند».^۲

در همان کتاب، از آن حضرت روایت شده است: «او کسی است
که مردم در ولادتش شک و تردید می‌کنند».^۳

شیخ مفید رحمته الله در کتاب *ارشاد*، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است
که در ضمن حدیثی فرمود: «در زمان غیبت، گفته می‌شود که او
(حضرت مهدی علیه السلام) مرده یا کشته شده و یا معلوم نیست به چه
راهی رفته است».^۴

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۴.

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۵۱. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۳، ح ۲۱)

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۵. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۱، ح

۴. ارشاد مفید، ص ۳۵۶. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۴، ح ۳۲)

نعمانی رضی الله عنه در کتاب غیبت، از آن حضرت روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند: «آن غیبت طولانی خواهد شد [تا آنکه گفته شود غایب گردیده و از دنیا رفته است و برخی گویند امامی نیست...].»^۱

(۴) برای شیعیان، پناهگاهی نیست که به آن پناه ببرند

شیخ صدوق رضی الله عنه در کتاب *علل الشرایع*، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است: «گویا شیعیان را می بینم هنگامی که سومین فرزند مرا از دست داده اند؛ به دنبال پناهگاهی هستند و آن را نمی جویند.»^۲

۵۱- و در کتاب *کمال الدین*، از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است:

«شیعیان را در دوران غیبت سومین فرزندم می بینم که مانند گله ای بی چوپان در جستجوی پناهگاهی هستند و آن را نمی یابند.»^۳



۱. غیبت نعمانی، ص ۱۸۵، ح ۲۷. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۴، ح

۲. *علل الشرایع*، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۶

۳. *کمال الدین*، ج ۲، ص ۴۸۰، ح ۴ و *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۹۶، ح ۱۴.

فصل نهم:

وظایف شیعه در دوران غیبت امام علیه السلام

۱) معرفت و شناخت آن حضرت

۵۲ - شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بمیرد و برایش امامی از فرزندان من نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است و به آنچه در جاهلیت و اسلام عمل کرده مؤاخذه می‌شود».^۱

در همان کتاب، از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که در جواب مأمون و در ضمن مطالبی مرقوم داشتند: «کسی که بمیرد و آنان (امامان) را نشناسد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است».^۲

۱. *عیون اخبار الرضا*، ج ۲، ص ۵۸، ح ۲۱۴.

۲. *عیون اخبار الرضا*، ج ۲، ص ۱۲۰، ح ۱. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۱،

۲) ملتزم بودن به دین

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *کمال الدین*، به واسطه حضرت رضا علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است: «هر کس در دوران غیبت او (امام مهدی علیه السلام) قرار گرفت، باید تمام تلاشش این باشد که دین خود را به هر قیمتی حفظ کند و آن را رها نکند و به آن پای بند باشد».^۱

۳) انتظار فرج آن حضرت علیه السلام

۵۳ - در کتاب *عیون أخبار الرضا علیه السلام* از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند: «برترین و با ارزش‌ترین عمل امت من، انتظار فرج است».^۲

۵۴ - در کتاب *کمال الدین*، از محمد بن فضیل روایت شده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام درباره فرج سؤال کردم. فرمود: «آیا نمی‌دانی که انتظار فرج، خودش نوعی از فرج است. همانا خداوند عزوجل می‌فرماید: (منتظر باشید که من هم با شما از منتظرین هستم)».^۳

شیخ طوسی رحمته الله در کتاب *غیبت*، به سند خود از حسن بن جهم

۱. *کمال الدین*، ج ۱، ص ۵۱. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۳، ح ۲۱)

۲. *عیون أخبار الرضا*، ج ۲، ص ۳۶، ح ۸۷ و *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۲.

۳. *اعراف*، ۷۱ و *یونس*، ۲۰.

۴. *کمال الدین*، ج ۲، ص ۶۴۵، ح ۴.

روایت کرده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام درباره فرج سؤال کردم. فرمود: «آیا نمی‌دانی که انتظار فرج از فرج است؟» عرض کردم: چیزی را نمی‌دانم مگر آنچه را که به من تعلیم فرمایی. فرمود: «آری؛ انتظار فرج، از فرج و خود، نوعی فرج است»^۱.

۴) عدم تعیین وقت ظهور

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *کمال الدین*، از دعبل و او از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است: «خبر دادن از وقت [ظهور] ممنوع می‌باشد»^۲.

۵) صبر و پایداری در غیبت آن حضرت علیه السلام

در کتاب مذکور، از حضرت رضا علیه السلام روایت است که فرمود: «امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند: در آن دوران (غیبت) کسی بر دینش ثابت نمی‌ماند، جز کسانی که اهل اخلاص و برخوردار از روح یقین باشند و خداوند از ایشان، نسبت به ولایت ما، عهد و

۱. غیبت طوسی، ص ۴۵۹، ح ۴۷۱ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰، ح ۲۹.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۲، ح ۶ (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۴، ح

پیمان گرفته باشد».^۱

۵۵ - حمیری رضی الله عنه در کتاب *قرب الاسناد*، از بزنتی روایت کرده است: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: فدای شما شوم! اصحاب ما از جدّ شما روایت کرده‌اند که فرمود: خداوند تبارک و تعالی، ابا دارد از اینکه به سلطنت کسی درآورد، آنچه را که در طول بیست و سه سال، به ملک رسول خدا صلی الله علیه و آله درآوردده است.

امام فرمود: «اگر امام صادق علیه السلام آن را فرموده‌اند، [پس] همان طور خواهد بود». عرض کردم: فدای شما شوم! شما چه می‌فرمایید؟

فرمود: «چقدر نیکو است شکیبایی و انتظار فرج! آیا گفته بنده صالح را نشنیده‌ای که فرمود: (چشم به راه باشید که من هم با شما چشم به راهم) و (منتظر باشید که من با شما از منتظرین هستم) پس بر شما باد به صبر و شکیبایی. بدون تردید، فرج، در حال یأس و ناامیدی تحقق پیدا می‌کند و پیشینیان شما از شما شکیباتر بودند.

امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: به خدا قسم، سنن الهی، مو به مو اجرا خواهد شد و به ناچار در میان شما، آن اموری خواهد بود که در پیشینیان شما بوده است. و اگر شما بر امر واحدی باشید، بر سنتی

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۱۶. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۳،

که پیشینیان بوده‌اند نخواهید بود. و اگر عالمان دینی کسانی را بیابند که احادیث را با آنها بگویند و آنها اسرار را پنهان بدانند، هر آینه حدیث کرده و حکمت را منتشر می‌سازند. ولی خداوند، شما را به اشاعه و افشاگری مبتلا ساخته است و شما گروهی هستید که به دل‌هایتان ما را دوست می‌دارید، ولی با اعمال، مخالفت امر ما را می‌کنید.

شما را چه شده است؟ چرا مالک نفس خود نیستید و صبر نمی‌کنید تا خداوند، آنچه را که می‌خواهید، فراهم آورد؟ همانا این امر بر طبق اراده مردم و خواست آنان، صورت نمی‌گیرد؛ بلکه این امر خداوند تبارک و تعالی است و بستگی به قضاء امر و صبر او دارد و همانا کسی که از دست رفتن چیزی نگران است، در آن شتاب می‌کند، و خدا چنین نیست»^۱.

۵۶ - و در همان کتاب، از بزنی روایت شده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام درباره رؤیا سؤال کردم و او از پاسخ خودداری نمود. سپس فرمود:

« اگر آنچه شما می‌خواهید به شما عطا کنیم، برای شما شرّ خواهد بود و گردن صاحب این امر، گرفته خواهد شد. شما در عراق

۱. قرب الاسناد، ص ۳۸۰، ح ۱۳۴۳ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۰، ح ۱۷.

هستید و اعمال این فرعون‌ها را مشاهده می‌کنید و می‌بینید که چقدر به آنها مهلت داده شده است. پس بر شما باد به تقوای الهی. دنیا شما را فریب ندهد و مبادا نسبت به کسی که به او مهلت داده شده، دچار غرور شوید، [که در این حالت] گویا آن امر به شما نرسیده است.^۱

۶) اندوه و گریه در غیبت آن حضرت علیه السلام

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند: «اهل آسمان و زمین و هر عاشق دل‌باخته و هر اندوهگین دل‌سوخته‌ای بر آن حضرت (امام مهدی علیه السلام) می‌گرید. چه بسیار افراد مؤمنی که با از دست دادن آن آب گوارا، دچار حزن و حیرت می‌شوند و تأسف می‌خورند».^۲

شیخ طوسی رحمته الله در کتاب *غیبت*، از آن حضرت روایت کرده است که فرمود: «چه بسیار مردمان با ایمانی که هنگام از دست دادن آن آب گوارا، اندوهگین و پریشان و غصه‌دار هستند».^۳

۱. قرب الاسناد، ص ۳۸۰، ح ۱۳۴۰.

۲. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶، ح ۱۴. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۴، ح ۲۴)

۳. غیبت طوسی، ص ۴۳۹، ح ۴۳۱.

۷) دعا برای آن حضرت علیه السلام و فرج ایشان

۵۹ - شیخ طوسی رحمته الله در کتاب *مصباح المتعجد*، از یونس بن عبدالرحمان روایت کرده است که گفت: حضرت رضا علیه السلام همواره سفارش و امر می‌نمود که برای حضرت صاحب الامر، این‌گونه دعا کنند:

«خداوندا! از ولی و جانشینت و حجتت بر مخلوقاتت و زبان گویایت - که از تو حکایت می‌کند و به حکمت تو گویا است - و چشم بینایت - که نظاره‌گر بندگان تو است - و گواه تو بر مخلوقاتت است، و از آن بزرگ‌مرد مجاهد که به تو پناه آورده است، دفاع کن، و او را از شر آنچه آفریده‌ای و پدید آورده‌ای و ایجاد کرده‌ای و صورت بخشیده‌ای، پناه بده.

و او را از پیش روی و پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ، و از بالا و پائین، محافظت فرما؛ به حفظ و حراستی که هر کس را به آن حفظ کنی، ضایع و تباه نشود. و در سایه او، پیامبرت و پدران او را - که پیشوایان مردم از طرف تو هستند و ارکان دینت می‌باشند - حفظ کن و نگهدار.

و او را در امانت خودت - که ضایع نمی‌شود - و در سایه و جوارت - که مورد تعرض قرار نمی‌گیرد - و در حمایت و عزت خودت - که هرگز مقهور و مغلوب نمی‌شود - قرار ده. و او را به امان مورد

اطمینان خود، ایمن بدار؛ که هر کس را به آن ایمن داری، هرگز سرکوب نشود. و او را در کنف عنایت خود قرار بده؛ که هر کس در آن قرار گیرد، مورد تجاوز واقع نشود.

و او را به نصرت قوی و نیرومندت یاری کن، و به لشکر پیرومندت تأیید نما، و به نیروی خویش نیرومند فرما، و فرشتگان را با او همراه ساز، و هر کس که او را دوست دارد دوست بدار، و هر کس که با او دشمنی می‌کند دشمن بدار، و به او زره محکم خود را بپوشان، و گرداگرد او را با فرشتگان احاطه کن.

خداوندا! او را به مقامی برتر از مقام برپادارندگان عدالت از پیروان پیامبران برسان. خداوندا! پراکندگی امور ما را به وسیله او اصلاح کن، و گسستگی ما را به وسیله او به پیوستگی تبدیل کن، و ظلم و ستم را به وسیله او بمیران، و عدل و داد را به وسیله او آشکار ساز، و زمین را با طولانی ماندن او زینت بده، و او را با یاریات تأیید کن، و به وسیله افکندن رعب [بر دل‌ها] او را پیروز نما.

یارانش را نیرومند کن، و آنها را که دست از یاری او برداشتند، خوار گردان، و هر کس آشکارا با او دشمنی می‌کند یا به جنگ با او برخاسته، هلاک کن، و هر کس [نسبت به او] خدعه و خیانت می‌کند نابود گردان، و به وسیله او زورگویان کافر و استوانه‌ها و ارکان آنها را به هلاکت برسان، و به وسیله او، سران و رؤسای گمراهی و

بدعت‌گزاران و از بین برندگان سنت و تقویت کنندگان باطل را درهم بشکن، و زورگویان را به وسیله او ذلیل کن، و به وسیله او کافران و تمام ملحدان را در شرق و غرب، خشکی و دریا و کوه و بیابان، ریشه کن ساز؛ تا آنکه کسی از آنان را باقی نگذاری، و از آنان، اثری بر جای نماند.

خداوند! شهرهایت را از وجود آنان پاک گردان، و [سینه] بندگان را از [ظلم] آنان شفا ببخش، و مؤمنان را به واسطه آن حضرت، عزیز فرما، و سنت‌های رسولان و حکمت‌های مندرس گشته پیامبران را به وسیله او زنده نما، و آنچه از دین تو محو و نابود گشته و از حکم و فرمانت، دگرگون شده، بازسازی فرما.

تا آنکه دین تو به وسیله او و با دست مبارکش، دوباره تازه و خرم و صحیح و بی‌آلایش شود؛ به گونه‌ای که در آن، هیچ کجی نباشد و بدعتی در آن راه پیدا نکند، و تاریکی‌های ظلم و ستم به نور عدالت او روشن شود، و آتش کفر به وسیله او خاموش گردد، و پیچیدگی‌های حق و ناشناخته مانده‌های عدل، به وسیله او واضح و آشکار شود.

زیرا آن حضرت، بنده‌ای است که او را برای خود، خالص کرده‌ای، و از میان آفریدگانت اختیار فرموده‌ای، و بر بندگان برگزیده‌ای، و بر غیب خویش، امین دانسته‌ای، و او را از گناهان، عصمت داده‌ای و

حفظ کرده‌ای، و ساختش را از هر گونه عیبی، مبراً ساخته‌ای، و از هر نوع پلیدی، پاک نموده‌ای، و از آلودگی سالم داشته‌ای.

خداوندا! ما برای او در روز قیامت و روزی که آن حادثه وحشت‌زای بزرگ فرا رسد، گواهی می‌دهیم که هرگز گناهی نکرده و خطا و جرمی انجام نداده، و معصیت و نافرمانی مرتکب نشده، و هرگز طاعتی را برای تو از دست نداده، و [با نافرمانی] حرمت تو را هتک نکرده، و فریضه‌ای از فرایض تو را دگرگون نساخته، و قانونی از قوانینت را تغییر نداده است و بدون تردید، او هدایت‌گری هدایت‌یافته، پاکیزه، باتقوا، پاک‌سرشت، پسندیده و آراسته است.

خداوندا! به او در مورد خودش و خاندانش، و فرزندانش، و ذریه‌اش، و اُمّتش و همه کسانی که تحت سرپرستی او هستند، آنچه چشم او را روشن نماید، عطا کن، و جانش را به آن خشنود کن، و برای او فرمانروایی همه ممالک نزدیک و دور، و عزیز و خوار را فراهم فرما، تا آنکه حکم و فرمان او بر هر حکم و فرمانی جاری گردد، و حق او هر باطلی را مغلوب گرداند.

خداوندا! ما را با دست مبارک او بر راه روشن هدایت، و شاهراه شریعت، و جاده وسط - که دور از افراط و تفریط است و تندروها باید به سوی آن بازگردند و عقب مانده‌ها خود را به آن برسانند - روان ساز، و ما را بر اطاعت او، نیرومند، و بر همراهی او ثابت و استوار

گردان، و بر ما به وسیله پیروی او منت گذار، و ما را از حزب او - که به امر و فرمانش قیام کننده‌اند و در راه او شکیبایند و با خیرخواهی و دلسوزی نسبت به او، رضا و خشنودی تو را طالبند - قرار بده، تا آنکه در روز قیامت، ما را در زمره یاران و مددکاران و تقویت کنندگان سلطنت و حکومت او محشور گردانی.

خداوندا! همه آن چه از تو خواستیم، برای ما خالص و پاک از هر شک و شبهه قرار بده تا نخواهیم که با آن خودنمایی کنیم، و آن را به گوش دیگران برسانیم، و به خاطر آن، به غیر تو تکیه و اعماد نکنیم و به وسیله آن، جز خشنودی تو را طلب نکنیم؛ تا آنکه ما را در جایگاه او ما وارد نمایی، و در بهشت، با او قرار دهی.

و ما را از خستگی و بی‌حوصلگی و سستی پناه بده، و از کسانی که دینت را به وسیله آنان یاری می‌کنی و نصرت و پیروزی ولیات را تقویت می‌نمایی، قرار بده، و غیر ما را جایگزین ما مگردان، که این جایگزینی، برای تو ساده و آسان، و بر ما بسی دشوار است.

خداوندا! بر والیان و فرمانداران و پیشوایان از فرزندان او درود فرست و ایشان را به آرزوهایشان برسان و بر مدت عمرشان بیفز، و پیروزی ایشان را تقویت فرما، و آنچه در امر و فرمانت به ایشان مربوط ساخته‌ای، برایشان کامل گردان، و پایه‌ها و اساس کار ایشان را ثابت و استوار نما، و ما را مددکار آنان و یاور دینت قرار بده؛ که

بدون تردید، ایشان، معدن‌های کلمات تو، و ارکان توحید تو، و ستون‌های دین تو، و کارگزاران و والیان امر تو، و بندگان خالص تو، و برگزیدگان از میان آفریدگان تو، و اولیای تو و فرزندان اولیای تو، و برگزیدگان فرزندان رسولان تو، و درود و رحمت و برکات بی‌پایان الهی بر همه آنان باد.^۱»

در *مصباح‌المتهجد*، از ابن مقاتل نقل است: حضرت امام رضا علیه السلام به من فرمودند: «در قنوت نماز جمعه، چه دعایی می‌خوانی؟» عرض کردم: آنچه مردم می‌گویند. فرمود: «آنچه آنها می‌گویند نگو؛ بلکه این دعا را بخوان:

خداوندا! برای بنده و جانشین خودت، کارسازی کن؛ آنگونه که برای پیامبران و رسولانت به شایستگی کارسازی فرمودی. و گرداگرد او فرشتگان را قرار بده، و او را از ناحیه خودت به روح القدس تأیید فرما، و از پیش رو و پشت سرش، مراقبانی را همراهش گردان تا او را از هر بدی حفظ کنند، و آرامش و آسودگی را جایگزین ترس و بیم او گردان، تا [همه] تنها تو را عبادت و بندگی کنند. و چیزی را با تو شریک نگردانند، و هیچ یک از آفریدگانت را بر ولیات سلطنت مده، و به او اجازه جهاد با کسی که دشمن تو و او است، مرحمت فرما، و

مرا از یاوران او قرار ده، که تو بی گمان بر هر چیزی توانایی^۱».

۸) رعایت تقیه

شیخ صدوق علیه السلام در کتاب *کمال الدین*، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمود: «هر کس پیش از خروج قائم ما تقیه را ترک کند، از ما نیست»^۲.

۹) ملازم خانه بودن و خروج نکردن

۵۸ - کلینی علیه السلام در کتاب *کافی*، به سند خود از محمد بن عبدالله روایت کرده است که گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: فدای شما شوم! پدرم مرا از پدران بزرگوار شما حدیث کرد که به بعضی از آنان گفته شد: در شهر ما محلی برای مرزبانی است که به آن، قزوین گفته می‌شود و دشمنی است که به آن، دیلم گفته می‌شود. بر ما، جهاد، واجب است یا مرزبانی؟

آن امام علیه السلام فرمود: «بر شما باد به حج بیت الله». راوی کلامش را سه بار تکرار کرد و امام علیه السلام در هر مرتبه به او فرمود: «بر شما باد به حج خانه خدا».

۱. مصباح المتعجد، ص ۲۵۶.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۵.

سپس در مرتبه سوم فرمود: «آیا راضی نیستید که در خانه باشید و در حالی که منتظر امر ما هستید، بر عیالتان انفاق کنید؟ پس [چنین شخصی] اگر [در این حالت] ظهور را درک کرد، مانند کسی است که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله در بدر بوده و اگر آن دوران را درک نکند، مانند کسی است که با قائم ما و در خیمه آن حضرت بوده است؛ این گونه و این گونه (و دو انگشت سیباهش را کنار هم قرار داد)».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: «آنچه پدرت ذکر کرده، درست است».^۱

۵۹ - صدوق رضی الله عنه در معانی الاخبار، از حسین بن خالد روایت کرده

است: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: فدای شما شوم! حدیثی است که آن را عبدالله بن بکیر از عبید بن زراره روایت کرده است. فرمود: «آن حدیث چیست؟»

عرض کردم: از عبید بن زراره روایت شده است که در سال خروج ابراهیم بن عبدالله، با امام صادق علیه السلام ملاقات کرد و به آن حضرت عرض کرد: ابراهیم، سخنانی گفته و مردم به سوی او شتافته‌اند. شما چه فرمان می‌دهید؟

فرمود: «مادامی که آسمان و زمین آرام گرفته است، تقوا کنید و

۱. کافی، ج ۴، ص ۲۶۰، ح ۳۴ و وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۷ ح ۱.

آرام بگیرید» و عبیدالله بن بکیر می‌گوید: به خدا قسم، اگر عبید بن زراره راست گفته باشد، پس نه خروجی خواهد بود و نه قائم و قیام کننده‌ای.

حضرت رضا علیه السلام فرمود: «حدیث، همان است که عبید روایت کرده، ولی تأویل او درست نیست. همانا مقصود امام صادق علیه السلام از آنچه فرموده، این است که آرام بگیرید مادامی که آسمان از دادن ندا به اسم صاحب شما، ساکت، و زمین از فرو بردن لشکر سفیانی، آرام است»^۱.

۶۰ - شیخ طوسی رحمته الله در کتاب *أمالی*، به سند خود از حسین بن خالد روایت کرده است: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: عبدالله بن بکیر حدیثی را روایت و آن را تأویل می‌کند و من دوست دارم آن را به محضر شما عرضه بدارم. امام علیه السلام فرمود: «چه حدیثی؟» عرض کردم: ابن بکیر از عبید بن زراره برایم حدیث کرد که ایام خروج محمد بن عبدالله، نزد امام صادق علیه السلام بودم. شخصی از اصحاب ما بر آن حضرت وارد شد و عرض کرد: نظر شما درباره محمد بن عبدالله - که خروج کرده و مردم، دعوت او را اجابت کرده‌اند - چیست؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: «آرام بگیر تا مادامی که آسمان و زمین، آرام

۱. معانی الاخبار، ص ۲۶۶، ح ۱ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۹، ح ۱۷.

است.»

عبدالله بن بکیر گفت: اگر مطلب این گونه است و مادامی که آسمان و زمین، آرام است نباید خروج کرد، پس قائم و خروج قائم نیز درست نیست.

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: «فرمایش امام صادق علیه السلام درست است؛ ولی مطلب، آن گونه که ابن بکیر تأویل نموده، نیست. همانا امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: آرام بگیر مادامی که آسمان از ندا و زمین از فرو بردن لشکر سفیانی، آرام است.»^۱



۱. امالی طوسی، ج ۲، ص ۲۶ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۸، ح ۱۶.

فصل دہم:

ظہور آن حضرت ﷺ

۱) شکل و شمایل آن حضرت در هنگام خروج

۶۴- شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *کمال الدین*، به سند خود از هروی روایت کرده است که گفت: به حضرت رضاء علیه السلام عرض کردم: علامت و نشانه قیام کننده شما در هنگام خروج چیست؟

فرمود: «علامت او این است که در سنین پیری است؛ ولی به نظر، جوان می‌آید؛ به گونه‌ای که هر کس به او نگاه کند، می‌پندارد چهل سال از سن او گذشته است و از علامات و نشانه‌های [دیگر] او این است که گذشت ایام در او اثر نمی‌گذارد و تا هنگام اجل، پیر و فرسوده نمی‌شود»^۱.

و در همان کتاب، از حضرت رضاء علیه السلام روایت شده است که در ضمن حدیثی فرمودند: «همانا قائم علیه السلام کسی است که هنگام خروج، در

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲ ح ۱۲ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵، ح ۱۶.

سنین پیری است؛ ولی به شکل جوان ظاهر می‌شود».^۱

(۲) در هنگام خروج آن حضرت، همه باید به سوی او حرکت کنند
شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، از حضرت رضا علیه السلام
روایت کرده که ایشان از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند: «بندگان
خدا! به خاطر خدا، به خاطر خدا، به سوی آن حضرت بشتابید؛ اگر
چه لازم باشد سینه خیز بر روی برف و یخ حرکت کنید. زیرا او
خلیفه الهی و جانشین من است».^۲



۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۶. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۴، ب ۵، ح ۱۳)

۲. *عیون اخبار الرضا*، ج ۲، ص ۵۹، ح ۲۳۰. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف

۵، ب ۳، ح ۲۰)

فصل یازدهم:

سیره و اخلاق و خصوصیات زمان آن

حضرت علیؑ

۱) پادشاهی و سلطنت آن حضرت علیه السلام

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده که به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «در شب معراج، خداوند تبارک و تعالی، در قسمتی از فرمایشات خود فرمود:... او (حضرت مهدی علیه السلام) را مالک شرق و غرب عالم می‌کنم... سپس حکومت او را استمرار می‌بخشم و تا روز قیامت، روزگار را در میان اولیای خود می‌گردانم».^۱

۶۵- حائری یزدی در کتاب *الزام الناصب*، از امام رضا علیه السلام و ایشان از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است: «مهدی علیه السلام شرق و غرب عالم

۱. *عیون اخبار الرضا*، ج ۱، ص ۲۰۴. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب

را در اختیار خود قرار می‌دهد و مالک می‌شود».^۱

۲) یاوران آن حضرت از ملائکه

شیخ صدوق رحمته الله در *علل الشرایع*، از حضرت رضا علیه السلام و آن حضرت به واسطه پدران علیهم السلام، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است: «در شب معراج، خداوند تبارک و تعالی فرمود: او (حضرت مهدی علیه السلام) را با لشکر خودم یاری می‌کنم و به وسیله فرشتگانم کمک می‌رسانم تا دعوتم را آشکار سازد و خلق را بر توحید من متحد نماید».^۲

و نیز در کتاب *امالی و عیون*، از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که در ضمن حدیثی فرمودند: «چهار هزار نفر از ملائکه، برای یاری امام حسین علیه السلام فرود آمدند؛ اما آن حضرت، به آنها اجازه جنگ نداد. لذا آنها در اطراف قبر مبارک آن حضرت، پریشان و غبارآلود هستند تا آن قیام کننده، قیام نماید. آنها از یاران آن حضرت و شعارشان «خونخواهی امام حسین علیه السلام» خواهد بود».^۳

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۱.

۲. *علل الشرایع*، ج ۱، ص ۵. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۳، ح ۲۲)

۳. *امالی صدوق*، ص ۱۹۲، ح ۵ و *عیون اخبار الرضا*، ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۵۸. (برای

مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۴، ح ۳۱)

۳) قدرت و توانائی آن حضرت علیه السلام و آنچه در اختیار او می‌باشد
شیخ صدوق رحمته الله در *علل و عیون* از حضرت رضا علیه السلام و آن حضرت، از
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است: «در شب معراج، خداوند تبارک و
تعالی ادرباره حضرت مهدی علیه السلام فرمود: بادهای را مسخر و ابرها را رام
او می‌گردانم و درهای آسمان و راه‌های آن را به روی او می‌گشایم».^۱
در کتاب *کمال الدین*، نیز از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که
در ضمن حدیثی فرمود: «او کسی است که زمین، زیر پایش پیچیده
می‌شود و سایه‌ای برایش نیست».^۲

۴) نزد آن حضرت، میراث پیامبران علیهم السلام است

در همان کتاب، از آن حضرت روایت شده است: «عصای
موسی علیه السلام و خاتم سلیمان علیه السلام به همراه او می‌باشد».^۳

۱. *علل الشرایع*، ج ۱، ص ۵. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۳، ح ۲۲)

۲. *کمال الدین*، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۵. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۱،

ح ۱۴)

۳. *کمال الدین*، ج ۲، ص ۳۷۶ و *مکیال المکارم*، ج ۱، ص ۳۴. (برای مطالعه کامل این

حدیث، رک: ف ۴، ب ۵، ح ۱۳)

۵) بر گردن آن حضرت علیه السلام بیعت هیچ یک از ستمکاران نیست
شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، از حضرت رضا علیه السلام
نقل کرده است: «...زیرا هنگامی که با شمشیر قیام می‌کند، بیعت
کسی بر گردن آن حضرت نباشد».^۱

۶) زمین را از لوٹ کفر و ستم پاک می‌گرداند
در کتاب *علل الشرایع*، به روایت امام رضا علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
نقل شده است: «خداوند فرمود: زمین را به آخرین آنان (اوصیای
پیامبر) از دشمنانم پاک می‌کنم».^۲
در کتاب *کمال الدین*، نیز از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است:
«خداوند، زمین را به وسیله او از هر ستمی پاک، و از هر ظلمی،
پاکیزه می‌گرداند».^۳

و در همان کتاب، از دعبل روایت شده است که خطاب به امام
رضا علیه السلام عرض کرد: شنیده‌ام امامی از شما خروج می‌کند و زمین را از

۱. *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، ج ۱، ص ۲۷۳، ح ۶. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک:
ف ۵، ب ۴، ح ۲۶)

۲. *علل الشرایع*، ج ۱، ص ۵. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۳، ح ۲۲)

۳. *کمال الدین*، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۵. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۱،

هرگونه فساد، پاک می‌گرداند.^۱

(۷) آن حضرت علیه السلام دستان بنی شیبۀ را قطع می‌کند

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *علل الشرایع*، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که درباره حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «[قیام را] از بنی شیبۀ، آغاز و دستان ایشان را قطع می‌کند؛ زیرا آنان دزدان خانه خدا هستند».^۲

(۸) ذراری قاتلان امام حسین علیه السلام را به قتل می‌رساند

۶۶- شیخ صدوق در *علل و عیون*، به سند خود از هروری روایت کرده است که گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: نظر شما درباره این حدیث امام صادق علیه السلام: «هنگامی که قائم علیه السلام خروج کند، ذراری قاتلان امام حسین علیه السلام را به کار پدرانشان می‌کشد» چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «مطلب، همان است».

عرض کردم: پس این فرمایش خداوند که: «هیچ گنه‌کاری، گناه

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۲، ح ۶ (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۴،

ح ۲۷)

۲. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۷۳، ح ۵.

دیگری را متحمل نمی‌شود»^۱ چه معنایی دارد؟

حضرت رضا علیه السلام فرمود: «خداوند در جمیع گفتارش، صادق است؛ ولی باقیمانندگان نسل قاتلان امام حسین علیه السلام به کار پدرانشان، راضی و خوشنودند و به آن، افتخار و مباحات می‌کنند و هر که به امری رضایت داشته باشد، مانند آن است که آن را انجام داده، و اگر کسی در مشرق کشته شود و در مغرب، شخصی به آن قتل، راضی باشد، نزد خداوند تبارک و تعالی، شخص راضی با قاتل، شریک خواهد بود. حضرت مهدی علیه السلام هم که باقیمانندگان نسل قاتلان امام حسین علیه السلام را می‌کشد، از این باب است که آن‌ها به فعل پدران خود رضایت دارند.»
عرض کردم: هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، ابتدا با چه گروهی درگیر می‌شود؟ فرمود: «با بنی‌شبهه و دست‌های آنها را قطع می‌کند، زیرا آنها دزدان خانه خدا هستند»^۲.

۹) مردم با نور جمال آن حضرت علیه السلام از روشنائی خورشید، بی‌نیاز می‌شوند
شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *کمال الدین*، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است: «هنگامی که قائم ما خروج کند، زمین به نور مبارک او،

۱. انعام، ۱۶۴.

۲. *علل الشرایع*، ج ۱، ص ۲۲۹، ح ۱.

نورانی و درخشان می‌شود».^۱

۱۰) گسترش عدالت به وسیله آن حضرت علیه السلام

در همان کتاب، به واسطه حضرت رضا علیه السلام از امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام روایت شده است: «او قیام کننده به حق، آشکار کننده دین و گسترش دهنده عدالت است».^۲
و نیز در همان کتاب، از حضرت رضا علیه السلام نقل شده است: «او میزان عدالت را در میان مردم قرار می‌دهد و آنگاه هیچ کس به دیگری ظلم نمی‌کند».^۳

۱۱) او زمین را پر از عدل و داد می‌کند

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، از حضرت رضا علیه السلام و آن حضرت، از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است: «او زمین را پر

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۵. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۱، ح ۱۴)

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۱۶. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۳، ح ۲۳)

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۵. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۱، ح ۱۴)

از عدالت خواهد نمود؛ همان طور که پر از ظلم و ستم شده باشد».^۱
در همان کتاب، از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است: «تا آنکه آن
حضرت، خروج، و زمین را پر از عدالت کند؛ همان طور که پر از ستم
شده باشد».^۲

در کتاب *کمال الدین*، نیز از آن حضرت علیه السلام روایت است: «سپس
[خداوند] او را ظاهر می گرداند و به وسیله او زمین را پر از عدل و داد
می کند؛ همان طور که پر از ظلم و ستم شده باشد».^۳

۱۲) او غم و اندوه اهل بیت علیهم السلام را برطرف خواهد کرد

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *کمال الدین*، ماجرای اضافه کردن دو بیت
از سوی حضرت رضا علیه السلام به شاعر دعبل خزاعی را آورده و آن دو بیت،
این است: «سوز دل ما باقی است تا خداوند، قیام کننده ما را ظاهر
سازد و او غم و اندوه ما را برطرف نماید».^۴

۱. *عیون اخبار الرضا*، ج ۲، ص ۶۶، ح ۲۹۳. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف
۵، ب ۳، ح ۱۹)

۲. *عیون اخبار الرضا*، ج ۲، ص ۲۶۵، ح ۳۵. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف
۵، ب ۴، ح ۲۷)

۳. *کمال الدین*، ج ۲، ص ۳۷۶. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۴، ب ۵، ح ۱۳)

۴. *کمال الدین*، ج ۲، ص ۳۷۳، ح ۶. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۴، ح

(۱۳) او برای اهل ایمان، رحمت و برای کافران، عذاب است
شیخ طوسی رحمته الله در کتاب غیبت، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده
است که در ضمن حدیثی فرمودند: «ایشان، رحمت برای مؤمنان و
عذاب برای کافران می‌باشد».^۱

(۱۴) خوارک و پوشاک آن حضرت علیه السلام

۶۷- نعمانی رحمته الله در کتاب غیبت، به سند خود از معمر بن خلاد
روایت کرده است که گفت: در محضر نورانی حضرت رضا علیه السلام بودیم و
سخن از حضرت قائم علیه السلام به میان آمد. ایشان فرمودند: «لباس او
خشن و غذایش ناملایم است».^۲

(۱۵) حال شیعه و مؤمنین در عصر ظهور آن حضرت علیه السلام

۶۸- طبری در کتاب *دلائل الامامة*، به سند خود از حضرت
رضا علیه السلام روایت کرده است:
«هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، به فرشتگان دستور می‌دهد که بر

→

(۲۸)

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶، ح ۱۴. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵،

ب ۴، ح ۲۴)

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۹۵، ح ۵ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸، ح ۱۲۶.

مؤمنین، سلام کنند و در مجالسشان بنشینند. و هرگاه یکی از آنها مشکلی داشته باشد، حضرت، بعضی از فرشتگان را بفرستد تا او را به دوش بگیرند و نزد امام علیه السلام بیاورند و چون مشکل او برطرف شد، او را باز گردانند.

بعضی از مؤمنین به وسیله ابرها حرکت می‌کنند، و بعضی با ملائکه پرواز می‌کنند و برخی دیگر با آنها راه می‌روند. در میان آنان کسانی هستند که از ملائکه پیشی می‌گیرند، و کسانی هستند که ملائکه برای داوری، نزد آنان می‌آیند؛ [چراکه] مؤمن نزد خداوند، گرامی‌تر از ملائکه است، و از آن مؤمنین، کسانی هستند که امام علیه السلام آنها را میان هزار نفر از ملائکه، قاضی قرار می‌دهد.^۱

فصل دوازدهم:

رجعت

(۱) حقانیت و حتمیت رجعت

۶۹- شیخ صدوق رحمته الله در کتاب *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، به سند خود از حسن بن جهم روایت کرده است که حضرت، در جواب مأمون - که درباره رجعت پرسیده بود - فرمودند: «حق است. رجعت در امت‌های پیشین بوده و قرآن به آن ناطق است و رسول خدا صلی الله علیه و آله هم فرمودند: هر آنچه در امت‌های پیشین واقع شده، در این امت نیز همان گونه تحقق پیدا می‌کند. و فرمود: هنگامی که مهدی از فرزندان من، ظاهر شود، عیسی بن مریم از آسمان فرود می‌آید و پشت سر آن حضرت نماز می‌خواند. و فرمود: اسلام، غریبانه شروع شد و به زودی غریب می‌گردد و خوشا به حال غریبان؛ یعنی آنان که در مسیر اسلام، ثابت بمانند.

عرض کردند: ای رسول خدا! سپس چه اتفاقی روی می‌دهد؟

فرمود: «حق به اهل آن باز خواهد گشت...»^۱

۷۰- حمیری در *قرب الاسناد*، از حضرت رضا علیه السلام و آن حضرت از امام باقر علیه السلام روایت کرده است: «به خدا قسم، این (رجعت) از سنن الهی است و آنچه در میان امت‌های پیشین واقع شده است، ناگزیر در میان شما هم به وقوع می‌پیوندد»^۲.

۶۷- شیخ حسن بن سلیمان در کتاب *مختصر البصائر*، به سند خود از صفوان روایت کرده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که درباره رجعت فرمود: «هر کدام از مؤمنین که با مرگ طبیعی از دنیا رفته باشد [و سپس به دنیا بازگردند] با کشته شدن، دنیا را ترک می‌کنند و هر کدام با کشته شدن از دنیا رفته‌اند، در رجعت به مرگ طبیعی از دنیا می‌روند»^۳.

۷۲- صدوق رضی الله عنه در کتاب *صفات الشیعه*، به سند خود از فضل بن شاذان روایت کرده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «... هر کس به توحید الهی اقرار کند... و به رجعت و دو متعه حج و نساء اعتراف نماید و به سؤال قبر، حوض کوثر، شفاعت، بهشت، دوزخ، صراط،

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۷، ص ۲، ج ۲، ص ۲۰۱، ح ۱ و بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۹، ح ۴۵.

۲. قرب الاسناد، ص ۳۸۱، ح ۱۳۴۳.

۳. منتخب البصائر، ص ۶۹، ح ۶۳ و بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۶، ح ۵۹.

میزان، برانگیخته شدن، محشور شدن، جزاء و حساب، ایمان داشته باشد، او مؤمن واقعی و از شیعیان ما اهل بیت است»^۱.

کلینی علیه السلام در کتاب کافی، نیز از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است: «و اگر آن سرور اهل عالم (حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء) قیام کند، مشرکان خواهند گفت: (وای بر ما! چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت؟ این همان وعده خداوند رحمان است و فرستادگان او راست گفتند)»^۲ ^۳.

۷۳- شیخ عبدالله بحرانی، صاحب کتاب *عوامل*، گوید: استادم علامه بزرگوار محمد باقر مجلسی علیه السلام فرموده است: به خط بعضی از بزرگان، به نقل از شهید ثانی یافتم که صفوانی در کتاب خود و به سند خود روایت کرده است که از حضرت رضا علیه السلام درباره تفسیر آیه شریفه (پروردگارا! ما را دوبار میراندی، و دوبار زنده کردی)^۴ پرسیدند. فرمود: «به خدا قسم، این آیه درباره رجعت است»^۵.

۱. صفات الشیعة، ص ۱۲۹، ح ۷۱ و بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۶ ح ۵۹.

۲. یس، ۵۲.

۳. کافی، ج ۸، ص ۲۴۷، ح ۳۴۶. (برای مطالعه کامل این حدیث، رک: ف ۵، ب ۱،

ح ۱۵)

۴. مؤمنون، ۱۱.

۵. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۴، ح ۱۶۲.

۷۴- استرآبادی در کتاب رجعت، از شیخ طوسی نقل می‌کند که گفت: حضرت رضا علیه السلام دستور می‌داد این دعا را برای صاحب الأمر بخوانند: «اللهم اذفع عن وليك و خليفتك و حجتك... اللهم وصل على ولاة عهده و بلغهم امالهم، و زد في اجالهم و انصرهم...»

شیخ طوسی سپس اضافه کرده است: بدان که این دعا را برای هر امامی، در زمان خودش می‌توان خواند و مولای ما صاحب الزمان عجل الله فرجه نیز یکی از آنان است و لذا بر آن حضرت صدق می‌کند که بگوئیم: «خداوندا بر ولاة عهد او و امامان بعد از او... درود فرست»، و اگر چنین نباشد، این دعا عام نیست و همه را شامل نشده است. و این نص به اضافه روایاتی که از آنان روایت شده، در معنای رجعت امامان علیهم السلام صریح است.^۱

۷۵- شیخ صدوق رحمته الله در *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، از آن حضرت روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمود: «آنچه در امتهای پیشین بوده است بدون هیچگونه اختلافی در این امت نیز خواهد بود».^۲

۷۶- شیخ طوسی رحمته الله در کتاب *غیبت*، به سند خود از حسن بن علی خزار روایت کرده است که گفت: علی بن ابی حمزه بر حضرت

۱. رجعت، ص ۱۳۵، ج ۷۹ و *مصباح المتعجد*، ص ۴۰۹.

۲. *عیون اخبار الرضا*، ج ۲، ص ۲۱۸، ح ۱.

رضا علیه السلام وارد شد و عرض کرد: آیا شما امام هستید؟ فرمود: «آری». عرض کرد: از جد شما، حضرت صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «کسی امام نمی‌باشد مگر آن که برایش فرزندی باشد».

امام علیه السلام فرمود: «ای پیر مرد! آیا فراموش کردی یا خود را به فراموشی می‌زنی؟ امام صادق علیه السلام این گونه فرمودند؛ بلکه فرمودند: امام نمی‌باشد، مگر آنکه برایش فرزندی باشد؛ جز امامی که در زمان او حسین بن علی علیه السلام رجعت می‌کند؛ که برای او، دنباله یعنی فرزندی که امام باشد، نیست». عرض کرد: فدای شما شوم درست فرمودید. همین گونه از جد شما شنیدم.^۱

۲) رجعت امیر المؤمنین علی علیه السلام

۷۷- شیخ طوسی رحمته الله در کتاب غیبت، از حسن بن محبوب روایت کرده است که به حضرت رضا علیه السلام عرض کرد: چه ندیی است که همه، آن را می‌شنوند؟

حضرت فرمودند: «سه صدا در ماه مبارک رجب شنیده می‌شود. اول [آن که می‌گوید:] آگاه باشید که ستمگران از رحمت خدا دور و ملعونند. دوم [آن که می‌گوید:] ای گروه مؤمنان! نزدیک شونده،

۱. غیبت طوسی، ص ۲۲۴، ح ۱۸۸ و بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۵، ح ۷۷.

نزدیک شد و سوّم [آن که] در خورشید، بدنی را می بینند و گوینده
آسمانی فریاد می زند: این امیر المؤمنین است که برای هلاک کردن
ستمگران، به دنیا بازگشته است».^۱

۷۸- ابن شهر آشوب در کتاب مناقب، (از حضرت رضا علیه السلام) روایت
کرده است که در تفسیر این آیه شریفه) برای آنان جنبنده‌ای را
خارج می کنیم که با آنان سخن گوید^۲ فرمود: «مقصود، امیر
المؤمنین علیه السلام است».^۳

۱. غیبت طوسی، ص ۲۶۸.

۲. نمل، ۸۲.

۳. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۰۲ و بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۷، ح ۱۴۵.

نتیجه

امام رضا علیه السلام در بیانات خود، فراوان، به حضرت مهدی علیه السلام و مسائل پیرامون آن حضرت اشاره کرده‌اند؛ که در یک نگاه کلی، می‌توان آن را این‌گونه جمع بندی نمود:

- اثبات نسبت آن بزرگوار با پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق امام حسن عسکری علیه السلام، و تصریح به این‌که ایشان از صلب امام حسین علیه السلام و فرزند چهارم خودشان است

- اشاره به غیبت آن حضرت که بسیار طولانی و موجب حیرت و پراکندگی مؤمنان است

- اشاره به ولادت مخفیانه آن حضرت

- تعظیم و تکریم فوق العاده نسبت به نام حضرت مهدی علیه السلام و قیام نمودن و دست بر سر گذاردن، هنگامی که نام خاص آن حضرت به میان می‌آمد

- اشاره به القاب آن حضرت، مانند «صاحب الزمان» و «مهدی»

- نورانیت فوق العاده آن حضرت که منشأ الهی دارد

- سرآمد بودن آن حضرت در دانایی، بردباری، پرهیزکاری،

شجاعت و...

- لزوم و وجوب پیوستن به او و اطاعت کردن از او

- وجوب دعا کردن برای ایشان و فرجش
- عدم تعیین وقت برای ظهور آن حضرت و تصریح به این که هنگام ظهور، همانند قیامت، نامعلوم است
- امر به مراعات تقیه در زمان غیبت

منابع

۱. بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی علیه السلام.
۲. الکافی، شیخ کلینی، محمد بن یعقوب.
۳. کمال الدین، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه.
۴. صفات الشیعة، شیخ صدوق.
۵. عیون أخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق.
۶. معانی الأخبار، شیخ صدوق.
۷. علل الشرایع، شیخ صدوق.
۸. رجال کشی، شیخ طوسی، محمد بن حسن.
۹. أمالی، شیخ طوسی.
۱۰. مصباح المتهدّد، شیخ طوسی.
۱۱. غیبت طوسی، شیخ طوسی.
۱۲. غیبت نعمانی، محمد بن ابراهیم نعمانی.
۱۳. إرشاد مفید، محمد بن نعمان.
۱۴. کفایة الأثر، خراز قمی، علی بن محمد.
۱۵. کشف الغمّة، اربلی، علی بن عیسی.
۱۶. هداية الكبرى، حنینی، حسین بن همدان.
۱۷. تحف العقول، حرّانی، حسن بن علی.
۱۸. قرب الإسناد، حمیری، عبدالله بن جعفر.
۱۹. تأویل الآیات، حسینی استرآبادی، شرف الدین علی.
۲۰. ینایع المودّة، قندوزی، سلیمان بن ابراهیم.
۲۱. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم.
۲۲. مختصر البصائر، الحلّی، حسن بن سلیمان.